



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۱۴ شهریور ماه ۱۴۰۴

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

۰۲۱-۶۴۶۳

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»



فیلم تحلیل آموزشی آزمون امروز

برای مشاهده فیلم‌ها در سایت کانون، کد روبه‌رو
را با دوربین تلفن همراه خود اسکن کنید.

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی	محمد اسدی، محمد بحیرایی، شمیم پهلوان شریف، محمدابراهیم توزنده جانی، احمد حسن زاده فرد، آروین حسینی، علی حسینی نوه، احمد رضا ذاکر زاده، پیمان طیار، سعید عزیز خانی، هادی فولادی، علی قهرمان زاده، امیر محمودیان، حامد نصیری
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، امیرحسین اشتی، حسن اصحابی، محسن اصغری، عزیز الیاسی پور، سعید جعفری، رضا رنجبری، مجتبی فرهادی، الهام محمدی، محمد مشهدبان، هومن نمازی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، امیرحسین خزایی، یاسین ساعدی، کوثر شاه حسینی، سید آرش مرتضایی فر
روان‌شناسی	هانا احمدزاده، حمیدرضا توکلی، محمد حبیبی، محمدعرفان فرهادی
عربی، زبان قرآن	رضا راشدنیا، علی رسولی، آرمین ساعدیناه، محمد رضا سوری، امیرحسین شکوری، کامران عبداللہی، حمیدرضا قائدامینی، مصطفی قدیمی فرد، مرتضی کاظم شیرودی، افشین کریمیان فرد، احسان کلاته عربی، سید محمدعلی مرتضوی، آیدین مصطفی زاده، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	فاطمه احمدی، علیرضا پدram، جواد جلیلیان، مریم خسروی دهنوی، محمد رسایی، مهشید رستمی ریک، تابان صیقلی، فاطمه عزیزی، آیدا فتاح زاده، فرزانه ناظمی، محمد مهدی یعقوبی
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، جواد پاکدل، عرفان دهدشیا، پرگل رحیمی، محمد رضایی بقا، موسی سپاهی، محمد کرمی نیا، علی معزی، فیروز نژادنجف
اقتصاد	آفرین ساجدی، مهدی ضیائی، احسان عالی نژاد، مهدی کاردان، محمدحسین متولی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران	مستندسازی
ریاضی	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	مهدی ملارمضانی، عباس ملکی	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	رضا رنجبری، سپیده فتح اللہی	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	سید آرش مرتضایی فر	سید آرش مرتضایی فر	مریم خسروی دهنوی، محمد براتی	سجاد حقیقی پور
روان‌شناسی	محمد حبیبی	محمد حبیبی	ملیکا ذاکری، سینا غلامی	محمدصدرا پنجه پور
عربی، زبان قرآن	احسان کلاته عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
تاریخ و جغرافیا	محمد مهدی یعقوبی	محمد مهدی یعقوبی	فاطمه عزیزی، تابان صیقلی	عطیه محلوچی
فلسفه و منطق	سیده سمیرا معروف	فرهاد علی نژاد	امیر محمد قلعه کاهی، ایمان کلاته عربی	سوگند بیگلری
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	سپیده فتح اللہی، مریم خسروی دهنوی	سجاد حقیقی پور

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصور خاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی
حروف چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۲)

گزینه ۱»

(معمد بهیرایی)

$$(f+g)(2) = f(2) + g(2) = 7+2=9$$

$$(f \times g)(0) = f(0) \times g(0) = 3 \times (-2) = -6$$

$$\Rightarrow \text{حاصل عبارت} = \frac{9}{-6} = -\frac{3}{2}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)

گزینه ۳»

(شمیم پهلوان شریف)

$(f \times g)(5) = 8$ است، یعنی:

$$(f \times g)(5) = 8 \Rightarrow f(5) \times g(5) = 8 \Rightarrow \frac{f(5)}{g(5)} = \frac{8}{a} \Rightarrow \frac{f(5)}{a} = 8 \Rightarrow a = 1$$

$2 \times (f+g)(3) = 12$ است، پس:

$$2 \times (f+g)(3) = 12 \Rightarrow (f+g)(3) = \frac{12}{2} = 6$$

$$(f+g)(3) = 6 \Rightarrow f(3) + g(3) = 6 \Rightarrow \frac{f(3)}{g(3)} = \frac{7}{b} \Rightarrow \frac{7}{b} + b = 6$$

$$\Rightarrow b = -1$$

حالا حاصل $f(a-b)$ را می‌خوانیم:

$$f(a-b) = f(1-(-1)) = f(2) = 5$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)

گزینه ۱»

(علی قهرمان زاده)

$$(g(x))^3 = (x+2)^3 \Rightarrow g(x) = x+2$$

$$2f(x)g(x) = 2x^2 + 4x$$

$$2f(x)(x+2) = 2x(x+2) \Rightarrow f(x) = x \Rightarrow f(1) = 1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)

گزینه ۲»

(پیمان طیار)

$$\frac{x}{y} = \frac{1}{5} \Rightarrow \bar{x} = 3$$

$$\bar{x} = \frac{\text{مجموع داده‌ها}}{\text{تعداد داده‌ها}} \Rightarrow 3 = \frac{1+2+3+5+a}{5}$$

$$\Rightarrow 15 = 11+a \Rightarrow a = 4$$

پس با توجه به این که a به دست آمده داده‌ها را از کوچک به بزرگ مرتب می‌کنیم.

$$1, 2, 3, 4, 5 \Rightarrow \text{میان} = 3$$

$$\text{شاخص خط فقر} = \frac{3}{5} = 1/5$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶ تا ۵۷)

گزینه ۴»

(هاری فولادی)

$$y-100 = \text{جمعیت بیکار جدید، } y = \text{جمعیت بیکار اولیه}$$

$$x+100 = \text{جمعیت شاغل جدید، } x = \text{جمعیت شاغل اولیه}$$

$$\frac{y}{x+y} \times 100 - \frac{y-100}{x+y} \times 100 = 4$$

$$\Rightarrow \frac{100}{x+y} \times 100 = 4 \Rightarrow x+y = 2500 \quad (1)$$

$$y-100 = \frac{1}{5}(x+y)-100 \Rightarrow y = \frac{1}{5}(x+y)$$

$$\Rightarrow 5y = x+y \Rightarrow 4y = x$$

$$\xrightarrow{(1)} 4y + y = 2500 \Rightarrow y = 500$$

$$\Rightarrow \frac{500}{2500} \times 100 = 20 \text{ درصد}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

گزینه ۶»

(معمد اسری)

با توجه به قیمت‌ها و مقادیر مصرف داریم:

$$\text{شاخص دو کالا} = \frac{5000 \times 2000 + 70000 \times 100}{3000 \times 2000 + 60000 \times 100} \times 100$$

$$= \frac{10+70}{6+60} \times 100 = \frac{80}{66} \times 100 \approx 121/2$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

گزینه ۷»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

طبق نمودار شاخص پوشاک از عدد ۱۰۰ در سال ۹۰ به عدد ۱۵۰ در

آذرماه سال ۹۳ رسیده است. با استفاده از تناسب می‌توانیم هزینه پوشاک

در آذر سال ۹۳ را به دست آوریم.

هزینه پوشاک در سال ۹۰	۴۰۰
۱۰۰ شاخص پوشاک در سال ۹۰	
هزینه پوشاک در آذر ۹۳	x
۱۵۰ شاخص پوشاک در آذر ۹۳	

$$\Rightarrow \frac{100}{150} = \frac{400}{x} \Rightarrow x = \frac{400 \times 150}{100} = 600 \text{ هزار تومان}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه ۵۸)



۸- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

دامنه هر دو تابع $\mathbb{R}$ است، بنابراین داریم:

$$f(x) = x^2, \quad g(x) = \text{sign}(x) = \begin{cases} 1, & x > 0 \\ 0, & x = 0 \\ -1, & x < 0 \end{cases}$$

$$\Rightarrow f(x) - g(x) = \begin{cases} x^2 - 1, & x > 0 \\ x^2 - 0, & x = 0 \\ x^2 - (-1), & x < 0 \end{cases} = \begin{cases} x^2 - 1, & x > 0 \\ 0, & x = 0 \\ x^2 + 1, & x < 0 \end{cases}$$

بنابراین در x های مثبت، برای رسم $y = x^2 - 1$ ، نمودار سهمی $y = x^2$ یک واحد به پایین انتقال پیدا می‌کند که در نمودار گزینه‌های «۲» و «۳» دیده می‌شود. در x های منفی، برای رسم $y = x^2 + 1$ ، نمودار سهمی $y = x^2$ یک واحد به بالا انتقال پیدا می‌کند که در نمودار گزینه «۳» دیده می‌شود.

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)

۹- گزینه «۳»

(امیدرضا زاکر زاده)

با توجه به نمودار داده‌شده، $g(x) = 2x$ و $f(x) = 3x$ است، در ضمن دامنه هر دو تابع برابر $\mathbb{R}$ است، پس:

$$(f+g)(x) = 3x + 2x \Rightarrow (f+g)(x) = 5x$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)

۱۰- گزینه «۲»

(امیر مشهوریان)

$$\text{جمعیت فعال} = \frac{80}{100} \times 750 = 600$$

تعداد بیکاران در حالت اول را x نفر در نظر می‌گیریم:

$$\frac{m}{100} = \frac{x}{600} \Rightarrow x = 6m$$

با ایجاد $m - 3$ شغل جدید، تعداد بیکاران کاهش یافته و برابر می‌شود با:

$$x - (m - 3) = x - m + 3$$

$$\frac{13}{100} = \frac{x - m + 3}{600} \Rightarrow x - m + 3 = 13 \times 6 = 78 \Rightarrow x - m = 75$$

$$\frac{x = 6m}{x - m = 75} \Rightarrow 6m - m = 75 \Rightarrow 5m = 75$$

$$\Rightarrow m = 15 \text{ و } x = 6 \times 15 = 90$$

یعنی در ابتدا ۹۰ نفر بیکار بوده‌اند.

اگر $2m$ نفر شغل خود را از دست دهند (یعنی ۳۰ نفر شغل خود را از دست دهند): تعداد بیکاران $90 + 30 = 120$ نفر خواهد شد. در این صورت نرخ بیکاری برابر است با:

$$\frac{120}{600} \times 100 = 20\%$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

ریاضی و آمار (۳)

۱۱- گزینه «۲»

(مهمرب بهیرایی)

حروف عبارت «صدا» در کنار هم به ۳! جایگشت دارند و این بسته با چهار

حرف دیگر به‌عنوان ۵ شی به ۵! جایگشت دارند. بنابراین:

$$5! \times 3! = 120 \times 6 = 720$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، تمرین ۳ صفحه ۱۱)

۱۲- گزینه «۱»

(ابراهیم توزنره‌بایی)

با انتخاب ۴ نقطه از ۸ نقطه، به‌عنوان رأس‌های چهارضلعی داریم:

$$\binom{8}{4} = \frac{8!}{4! \times 4!} = \frac{8 \times 7 \times 6 \times 5}{4 \times 3 \times 2 \times 1} = 70$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، تمرین ۷ صفحه ۷)

۱۳- گزینه «۲»

(پیمان طیار)

$$P(n-1, 2) = \frac{1}{2} C(n, 2)$$

$$\Rightarrow \frac{(n-1)!}{(n-2)!} = \frac{1}{2} \times \frac{n!}{2!(n-2)!} \Rightarrow \frac{(n-1)(n-2)(n-3)!}{(n-2)!} = \frac{n(n-1)(n-2)!}{2 \times (n-2)!}$$

$$= \frac{1}{2} \times \frac{n(n-1)(n-2)!}{2 \times (n-2)!}$$

$$\Rightarrow (n-1)(n-2) = \frac{1}{2} \times n(n-1) \Rightarrow n-2 = \frac{1}{2}n \Rightarrow -2 = \frac{1}{2}n - n$$

$$\Rightarrow -2 = \frac{-1}{2}n \Rightarrow n = 4$$

توجه: برای حل سؤال می‌توان از دو رابطه زیر استفاده کرد:

$$P(n, r) = \frac{n!}{(n-r)!}$$

$$C(n, r) = \binom{n}{r} = \frac{n!}{(n-r)!r!}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۶ تا ۱۱)

۱۴- گزینه «۴»

(احمد حسن زاده‌فرد)

احتمال این که هر ۵ نفر در یک فصل سال به‌دنیا آمده باشند $\frac{1}{4^5}$ می‌باشد

و با توجه به این که هر فصلی می‌تواند باشد (بهار یا تابستان یا پاییز یا زمستان) پس ۴ حالت مختلف داشته و داریم:

$$P(A) = 4 \left(\frac{1}{4^5} \right) = \frac{1}{4^4}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، کار در کلاس صفحه ۲۰)



$$= \underbrace{P(B)}_{\frac{3}{5}} + \underbrace{(P(A) - P(A \cap B))}_{\frac{7}{20}} = \frac{19}{20}$$

$$P((A \cup B)') = 1 - P(A \cup B) = 1 - \frac{19}{20} = \frac{1}{20}$$

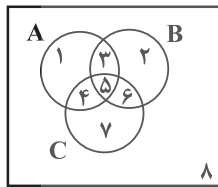
پس:

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۷)

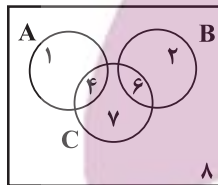
۱۹- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

نمودار ون زیر را برای پیشامدهای A و B و C رسم کرده و نواحی مختلف را مطابق شکل عددگذاری می‌کنیم:



با توجه به اینکه $A \cap B = \emptyset$ و $A \cap C \neq \emptyset$ و $B \cap C \neq \emptyset$ است بنابراین نواحی مربوط به شماره‌های ۳ و ۵ حذف می‌شود و شکل جدید به صورت زیر خواهد بود:



حال تک تک گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم. برای این کار شماره‌های مربوط به هر مجموعه را بر روی آن نوشته و اعداد هر دو سمت تساوی را مقایسه می‌کنیم. به عنوان مثال $A \cup B = \{1, 2, 4, 6\}$ و $C - B = \{4, 7\}$ هستند. پس داریم:

$$\underbrace{\{1\}}_{A-C} = \underbrace{\{1, 4\}}_{A-B} \Rightarrow \text{برابر نیستند}$$

گزینه «۱»:

$$\underbrace{\{1, 2, 4, 6\}}_{A \cup B} = \underbrace{\{4, 6, 7\}}_{\bar{C}} \Rightarrow \text{برابر نیستند}$$

گزینه «۲»:

گزینه «۳»:

$$\underbrace{\{1, 2, 4, 6\}}_{(A \cup B) - \bar{C}} = \underbrace{\{1\} \cup \{2\}}_{(A-C) \cup (B-C)} \Rightarrow \text{برابر هستند}$$

$$\underbrace{\{4\}}_{(A \cap C) \cup \bar{B}} = \underbrace{\{2, 6\} \cup \{1, 4\}}_{\bar{A}} \Rightarrow \text{برابر نیستند}$$

گزینه «۴»:

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۱۵- گزینه «۱»

(مهمد بهیرایی)

$$n(S) = \binom{10}{3} = \frac{10!}{7! \times 3!} = \frac{10 \times 9 \times 8}{3 \times 2 \times 1} = 120$$

$$n(A) = \binom{4}{2} \times \binom{6}{1} = \frac{4!}{2! \times 2!} \times 6 = 6 \times 6 = 36$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{36}{120} = \frac{3}{10}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۱۶- گزینه «۳»

(مهمد بهیرایی)

$$n(S) = \binom{12}{3} = \frac{12!}{9! \times 3!} = \frac{12 \times 11 \times 10}{3 \times 2 \times 1} = 220$$

A': پیشامد آن که هیچ یوزپلنگ نشان‌داری نباشد.

$$n(A') = \binom{9}{3} = \frac{9!}{6! \times 3!} = \frac{9 \times 8 \times 7}{3 \times 2 \times 1} = 84$$

$$\Rightarrow P(A') = \frac{84}{220} = \frac{21}{55}$$

$$\Rightarrow P(A) = 1 - \frac{21}{55} = \frac{34}{55}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۷)

۱۷- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری انسانی ۹۲)

عقربه A، ۴ حالت و عقربه B، ۵ حالت دارد، پس بنا به اصل ضرب داریم: $n(S) = 4 \times 5$. اگر پیشامد مطلوب سؤال را A بنامیم، A' پیشامد آن است که هیچ کدام از عقربه‌ها روی ناحیه فرد قرار نگیرند یا به بیان دیگر هر دو عقربه روی ناحیه زوج قرار بگیرند.

برای عقربه A، ۲ ناحیه زوج (با شماره‌های ۲ و ۴) و برای عقربه B هم ۲ ناحیه زوج (با شماره‌های ۴ و ۲) داریم، پس بنا به اصل ضرب

$$P(A') = \frac{n(A')}{n(S)} = \frac{2 \times 2}{4 \times 5} = \frac{2}{10}$$

داریم: $n(A') = 2 \times 2$ ، پس:

بنابراین، خواسته سؤال برابر است با:

$$P(A) = 1 - P(A') = 1 - \frac{2}{10} = \frac{8}{10} = 0.8$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۷)

۱۸- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

$$\text{از } P(B') = \frac{2}{5} \text{ نتیجه می‌گیریم:}$$

$$P(B) = 1 - P(B') = 1 - \frac{2}{5} = \frac{3}{5}$$

می‌دانیم $P(A - B) = P(A) - P(A \cap B)$ ، پس:

$$\frac{7}{20} = P(A) - P(A \cap B)$$

از طرفی می‌دانیم:

$$P(A \cup B) = P(A) + P(B) - P(A \cap B)$$

پس انحراف داده‌ها از میانگین برابر $-۲, -۱, -۱, -۳, ۳, ۴$ است.
طبق فرمول انحراف معیار داریم:

$$\sigma = \sqrt{\frac{(\bar{x} - x_1)^2 + (\bar{x} - x_2)^2 + \dots + (\bar{x} - x_n)^2}{n}}$$

$$\sigma = \sqrt{\frac{(-2)^2 + (-1)^2 + (-1)^2 + (-3)^2 + (3)^2 + (4)^2}{6}}$$

$$\Rightarrow \sqrt{\frac{4+1+1+9+9+16}{6}} \Rightarrow \sigma = \sqrt{\frac{40}{6}} = \sqrt{\frac{20}{3}}$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۱)

۲۴- گزینه «۴»

(معمد اسری)

ابتدا با توجه به این که $IQR = ۱۴$ و $Q_3 = ۳۰$ است، مقدار چارک اول (Q_1) را محاسبه می‌کنیم:

$$IQR = Q_3 - Q_1 \Rightarrow ۳۰ - Q_1 = ۱۴$$

$$\Rightarrow Q_1 = ۱۶$$

حالا با فرض این که داده‌ها به صورت زیر باشند، داریم:

$$a_1, a_2, a_3, a_4, a_5, a_6, a_7$$

$$Q_1 = ۱۶ \quad a_4 \quad a_7 = ۳۰$$

چون داده‌ها از چارک اول تا سوم فاصله یکسانی دارند، مجموع سه داده بین را به صورت زیر حساب می‌کنیم:

$$\text{مجموع} = a_3 + a_4 + a_5 = (a_2 + d) + (a_2 + 2d) + (a_2 + 3d)$$

$$= 3a_2 + 6d = 3(a_2 + 2d)$$

پس کافی است مقدار a_4 یا همان میانه را داشته باشیم و چون اختلاف داده‌ها یکسان است مقدار a_4 برابر میانگین چارک سوم و چارک اول می‌شود.

$$a_4 = \frac{۱۶ + ۳۰}{۲} = \frac{۴۶}{۲} = ۲۳$$

حالا مجموع مقادیر برابر است با:

$$\text{مجموع} = 3(a_2 + 2d) = 3a_4 = 3 \times ۲۳ = ۶۹$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۹۳ و ۹۴)

۲۵- گزینه «۱»

(معمد بصیرایی)

ابتدا داده‌های جدید را به کمک تغییرات جبری از داده‌های اولیه به دست می‌آوریم:

$$3x_1 \xrightarrow{+3} x_1 \xrightarrow{-x_1} 2x_1 \xrightarrow{+3} 2x_1 + 3 \xrightarrow{+5} 2x_1 + 3 + 5 = 2x_1 + 8$$

سپس همین تغییرات را روی میانگین اولیه انجام می‌دهیم تا میانگین داده‌های جدید به دست آید.

$$۱۸ \xrightarrow{+3} ۱۵ \xrightarrow{-۱۲} ۳ \xrightarrow{+۳} ۶ \xrightarrow{+۵} ۱۱$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۲۶- گزینه «۲»

(حامد نهیری)

تقریباً ۶۸ درصد داده‌ها در فاصله یک برابر انحراف معیار از میانگین قرار دارند. تقریباً ۹۹/۹ درصد داده‌ها در فاصله ۳ برابر انحراف معیار از میانگین قرار دارند.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۲۰- گزینه «۱»

(معمد بصیرایی)

$$P(A) = \frac{۴}{۹}$$

چون $A \cap B = \emptyset$ ناسازگارند پس:

$$P(B - A) = P(B) - P(A \cap B)$$

در نتیجه:

$$P(B - A) = P(B) - ۰ \Rightarrow P(B) = \frac{۳}{۷}$$

$$\xrightarrow{B, A \text{ ناسازگارند}} P(A \cup B) = P(A) + P(B) = \frac{۴}{۹} + \frac{۳}{۷} = \frac{۲۸ + ۲۷}{۶۳}$$

$$= \frac{۵۵}{۶۳}$$

برای حل مسئله استفاده می‌کنیم.

$$\Rightarrow P((A \cup B)') = ۱ - \frac{۵۵}{۶۳} = \frac{۸}{۶۳}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۳ تا ۲۷)

ریاضی و آمار (۱)

۲۱- گزینه «۴»

(معمد اسری)

برای محاسبه میانگین موزون، پایه وزن یا ضریب هر داده را در آن ضرب نمود، سپس اعداد حاصل را با هم جمع کنیم و در نهایت حاصل را بر جمع ضرایب تقسیم کنیم.
با توجه به جدول داده‌شده داریم:

$$\bar{x} = \frac{۴ \times ۱۲ / ۵ + ۳ \times ۱۴ + ۳ \times ۱۵ + ۲ \times ۱۷ + ۲ \times ۱۹ / ۵}{۴ + ۳ + ۳ + ۲ + ۲} = \frac{۲۱۰}{۱۴} = ۱۵$$

داده‌ها را مرتب می‌کنیم میانه برابر میانگین دو داده وسط است:

$$\text{میانه} = \frac{۱۴ + ۱۵}{۲} = ۱۴ / ۵$$

بنابراین اختلاف میانگین و میانه برابر است با:

$$۱۵ - ۱۴ / ۵ = ۰ / ۵$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۷)

۲۲- گزینه «۲»

(معمد ابراهیم توزندهانی)

متغیرها به ترتیب عبارت‌اند از:

کیفی اسمی - کیفی ترتیبی - کمی نسبتی - کمی فاصله‌ای

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۰ تا ۸۳)

۲۳- گزینه «۱»

(علی حسینی نوه)

می‌دانیم مجموع، انحراف داده‌ها از میانگین برابر صفر می‌شود، پس:

$$(a) + (a+1) + (-1) + (-3) + (3) + (4) = ۰$$

$$\Rightarrow ۲a + ۴ = ۰ \Rightarrow a = -۲$$



علوم و فنون ادبی (۲)

۳۱- گزینه «۳»

(مهمی قهراری)

- کلیم کاشانی در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و با به‌کاربردن مضامین ابداعی فراوان «خلاق‌المعانی ثانی» لقب گرفته است.
- ویژگی عمده شعر بیدل دهلوی مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام است.
- صائب تبریزی را خداوندگار مضامین تازه شعری دانسته‌اند.
(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۳۲- گزینه «۴»

(رضا رنبری)

در این بیت، واژه «شمع» در مصراع دوم، به‌صورت استعاره مصرّحه به‌کار رفته و نماینده معشوق است؛ چراکه مشبه (معشوق) حذف شده و تنها مشبّه‌به (شمع) باقی مانده است. عبارت «جان بر سر نهادن» نیز کنایه از جانبازی و فداکاری است؛ یعنی از جان گذشتن در راه عشق. این ویژگی در بیت، نقطه اشتراک میان شمع و شاعر است؛ همان‌گونه که شمع در راه روشنایی، جان می‌سوزد، شاعر نیز در راه عشق معشوق، از جان خود می‌گذرد. بنابراین، شاعر با نسبت‌دادن ویژگی انسانی «فداکاری» به شمع، از آرایه تشخیص (جان‌بخشی به پدیده بی‌جان) بهره گرفته و با استعاره مکنیه تصویری شاعرانه ساخته است؛ چراکه در اصل، جان‌باختن برای عشق ویژگی انسان است، اما به شمع نسبت داده شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در این بیت، شاعر گفت‌وگویی خیالی میان بنفشه و گل تصور می‌کند. از طرفی دیگر، هر دو در معنای حقیقی و اصلی خود به‌کار رفته‌اند و هیچ‌یک جانشین مشبه قرار نگرفته‌اند. بنابراین، بیت از استعاره مصرّحه خالی‌ست. با این حال، شاعر با نسبت‌دادن ویژگی انسانی «گفت‌وگو» به گل‌ها، از آرایه تشخیص بهره می‌برد؛ یعنی جان‌بخشی به پدیده‌های طبیعی که در اصل فاقد سخن‌گفتن‌اند. (استعاره مکنیه)

گزینه «۲»: در این بیت، «شکر» در معنای حقیقی و اصلی خود، یعنی ماده‌ای شیرین به‌کار رفته است. با این حال، شاعر صفت انسانی «شرمندگی و خجالت» را به شکر نسبت می‌دهد؛ ویژگی‌ای که مختص انسان است و نسبت‌دادن آن به یک ماده بی‌جان، نمونه‌ای روشن از آرایه تشخیص یا جان‌بخشی به شمار می‌رود. (استعاره مکنیه)

گزینه «۳»: در این بیت، ترکیب «طوطی خوش‌حرف» نمونه‌ای از استعاره مصرّحه است؛ بدین معنا که شاعر به طوطی شیرین‌سخن تشبیه شده، اما مشبه (شاعر) حذف گردیده و تنها مشبّه‌به (طوطی) باقی مانده است. این استعاره بر شیرین‌زبانی، خوش‌سخنی و توان بیان شاعر دلالت دارد. عبارت «چین به پیشانی زدن» نیز کنایه‌ای از بدخلقی، ناراحتی یا اخم کردن است. در این بیت، نشانی از استعاره مکنیه دیده نمی‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان)

۲۷- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

بیماران مبتلا به کرونا که در بیمارستان A بستری شده‌اند و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و داده‌های آن‌ها گردآوری شده است، واحد آماری هستند. مجموعه همه واحدهای آماری، جامعه آماری است که در این بررسی، بیماران مبتلا به بیماری کرونا در شهرستان مورد بررسی هستند.
(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه ۹۶)

۲۸- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

از آنجایی که انحراف معیار داده‌های اضافه شده صفر است، پس هر ۴ داده با هم برابرند، آن‌ها را x در نظر می‌گیریم. میانگین ۱۶ داده $x_1, x_2, \dots, x_{16}$ برابر با ۱۳ است، پس مجموع آن‌ها برابر است با:

$$13 = \frac{x_1 + \dots + x_{16}}{16} \Rightarrow x_1 + \dots + x_{16} = 208 \quad (1)$$

با اضافه شدن ۴ داده جدید، ۲۰ داده به‌صورت

$x_1, x_2, \dots, x_{16}, x, x, x, x$ خواهیم داشت. رابطه میانگین را برای

$$12 = \frac{x_1 + x_2 + \dots + x_{16} + x + x + x + x}{20} \quad (2)$$

$$\Rightarrow 240 = 208 + 4x \Rightarrow 4x = 32 \Rightarrow x = 8$$

چون داده‌های اضافه شده همگی برابر با ۸ هستند، پس میانگین آن‌ها نیز ۸ است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه ۹۰)

۲۹- گزینه «۲»

(آروین مسینی)

می‌دانیم اگر انحراف معیار تعدادی داده صفر باشد، همه آن داده‌ها با هم برابرند.

انحراف معیار و میانگین داده‌های x_1 تا x_5 به‌ترتیب برابر صفر و ۴ است، پس همه آن‌ها برابر عدد ۴ هستند.

$$x_1 = x_2 = x_3 = x_4 = x_5 = 4$$

حال داده‌های جدید را می‌نویسیم:

$$x_1, x_2, x_3, x_4, x_5, x_6, x_7, x_8, x_9, x_{10}$$

$$\Rightarrow 4, 5, 6, 7, 8$$

میانگین را حساب می‌کنیم:

$$\bar{x} = \frac{4+5+6+7+8}{5} = \frac{25}{5} = 5$$

انحراف معیار برابر است با:

$$\sigma = \sqrt{\frac{(4-5)^2 + (5-5)^2 + (6-5)^2 + (7-5)^2 + (8-5)^2}{5}}$$

$$= \sqrt{\frac{1+0+1+4+9}{5}} \Rightarrow \sigma = \sqrt{4} = 2$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۵ تا ۹۰)

۳۰- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

در طراحی پرسش‌نامه سؤالات نباید جهت‌دار باشد تا ذهن پاسخگو در جواب دادن به سؤالات آزاد باشد.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۸)



۳۳- گزینه «۲»

(سیرعلیرضا امیری)

تشریح ابیات:

گزینه «۱»: «آتش»: سرخی چشم در هنگام گریه (مصرحه) و «ماتم‌سرای اشک»: چشم (مصرحه)

گزینه «۲»: «لعل»: لب (مصرحه) و «نقطه موهوم»: لب (مصرحه) و «عقل گرد لب تو می‌گردد» تشخیص و استعاره مکنیه دارد.

گزینه «۳»: «سنبل» استعاره از مو

گزینه «۴»: «شرمسار» بودن «برگ گل» و «خجل شدن لاله» تشخیص دارد.
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان)

۳۴- گزینه «۲»

(سیرعلیرضا امیری)

«شب خوش بگفتم خواب را»: به خواب، شب‌خوش گفتم! سخن گفتن با خواب، دارای تشخیص است.

در گزینه «۱» عبارت «درد دل غرقاب» فاقد تشخیص است، چرا که منظور دردی است که از [افتادن در] مرکز غرقاب ناشی می‌شود، همچنین در گزینه «۳»، «ماهی» می‌تواند [طبق غریزه] قیمت چیزی را بداند، پس این جمله فاقد تشخیص است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان)

۳۵- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا امیری)

الف) فاقد استعاره مکنیه است. استعاره مصرحه: لعل (لب)
ب) گردآوری زر توسط رخ زرد عاشق: تشخیص و استعاره مکنیه / استعاره مصرحه: این ره (عشق)
ج) گردآوری دُر (جواهر) توسط مردمک چشم: تشخیص و استعاره مکنیه / استعاره مصرحه: دُر (اشک) و قصر دو در (دنیا)
د) مست بودن چشم و گردآوردن دل توسط چشم: تشخیص و استعاره مکنیه / استعاره مصرحه: نرگس (چشم)

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان)

۳۶- گزینه «۴»

(هومن نمازی)

در این گزینه «بهار» مورد ندا واقع شده است و این استعاره مکنیه است، در حالی که بیت در گزینه «۲» منادایی است که استعاره مصرحه ساخته است، زیرا مشبه معشوق است که به بت مانند شده است.

گزینه «۱»: زنجیر تو: استعاره مصرحه از زلف معشوق

گزینه «۳»: «خوابگاه عدم» اضافه تشبیهی در جایگاه استعاره است؛ استعاره از قبر.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان)

۳۷- گزینه «۳»

(مجتبی فراهری)

آن / را / ک / چ / نین / در / دی / از / پای / د / زن / دا / زد / با / ید / ک / ف /
ارو / شو / ید / دس / از / ه / م / در / مان / ها = مفعول مفاعیلین مفعول مفاعیلین

وزن سایر ابیات:

گزینه «۱»: مفعول مفاعیلین مفاعیلین فعولن

گزینه «۲»: فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

گزینه «۴»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر)

۳۸- گزینه «۲»

(امیرمسین اشتری)

مفهوم بیت صورت سؤال و سه گزینه دیگر این است که «عاشق همیشه وفادار به معشوق می‌ماند، حتی در سخت‌ترین شرایط»، اما شاعر در گزینه «۲» بیان می‌کند که من فقط در برابر امر معشوقم تسلیم هستم. اما در برابر دیگران می‌جنگم و تسلیم خواسته‌های آنها نمی‌شوم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اگر تمامی انسان‌ها به من ظلم و ستم کنند، من باز هم به تو وفادار می‌مانم.

گزینه «۳»: حتی اگر هزار دشمن هم سراغ سعدی بروند، او باز هم از عشق به معشوقش سخن می‌گوید و وفادار می‌ماند.

گزینه «۴»: حتی اگر به من خنجر هم بزنید، من باز هم عشق به معشوقم خواهم داشت و نعره شوق سر می‌دهم.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۰)

۳۹- گزینه «۲»

(حسن اصحابی)

مفهوم شعر صورت سؤال توصیف پیری و گذر زمان است، در مقابل، بیت گزینه «۲» به پیرنشدن و حتی جوان‌شدن در اثر عشق اشاره دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های ۱ و ۳: به تحول طبیعت و گذر از زمستان و رسیدن بهار اشاره دارد.

گزینه «۴»: وابستگی به جهان مادی و جسمانی مانع رسیدن به جهان روحانی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۳)

۴۰- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۱۴۰۰)

مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۴»: تلاش‌های من (شاعر) همواره برای نفع رساندن به مردم بوده و خودم هیچ‌گاه به دنبال نفع شخصی نبوده‌ام. در بیت صورت سؤال شاعر از تصویر سوختن شمع و در بیت گزینه «۴» از خم‌شدن کمان برای بیان این مفهوم کمک گرفته است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۰)

علوم و فنون ادبی (۳)

۴۱- گزینه «۱»

(سعید یعفری)

قائم‌مقام فراهانی با تغییر سبک نگارش تکلف را در نثر از بین برد.

دهخدا با روزنامه «صور اسرافیل» همکاری داشت و بعدها در استانبول روزنامه «سروش» را منتشر کرد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۴۲- گزینه «۱»

(الهام مموری)

هنگامی که پایه‌های آوایی یک بیت را نمی‌توانیم به دسته‌های همسان تک‌پایه ای یا دولختی جدا کنیم، باید پایه‌ها را با نظمی ناهمسان جدا کنیم و وزن بیت را مشخص نماییم. در این حالت، وزن بیت را ناهمسان می‌گوییم.

(رضا رنجهری)

۴۵- گزینه ۳»

الف) واژگان «بحر»، «موج» با یکدیگر تناسب یا مراعات نظیر دارند.
ب) بیت از آرایه تضمین بی بهره است، اما دارای استعاره مکنیه است؛ زیرا «گل» به عنوان سخنگو معرفی شده و ویژگی انسان (سخن گفتن) به آن نسبت داده شده است.

ج) بیت به باغ ازم و پادشاهی شتاد اشاره دارد. (تلمیح - مشابه اردبیهشت ۴۰۴) و واژه «آینه» در آن، استعاره مصرّح‌های از دل است؛ چرا که دل به سبب شفافیت و قابلیت بازتاب دادن، به آینه مانند شده است.
د) مصرع دوم، از سروده‌های حافظ برگرفته شده و تضمینی از شهریار به‌شمار می‌آید.

بیت حافظ: «ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی / دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی»

بر این اساس، گزینه‌های ۱ و ۴ به سبب اشتباه در تشخیص تضمین، و گزینه ۲ به دلیل فقدان تلمیح، رد می‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و برید)

۴۶- گزینه ۲»

(مهمر مشهوران)

وزن این بیت، «مفعول فاعلات مفاعیل فاعن» می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۴۷- گزینه ۳»

(مهمی قهرهای)

نشانه‌های هجایی این بیت را می‌توان به دو صورت جدا نمود: ۱- «مستفعل فاعلات مستفعل» ۲- «مفعول مفاعیل مفاعیل»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مفعول مفاعیل مفتعلن مفاعیل»

گزینه ۲: «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن»

گزینه ۴: «فاعلات فاعلات فاعل»

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۴۸- گزینه ۲»

(لها مهمری)

وزن بیت گزینه ۲، مطابق با وزن صورت سؤال است.

پایه‌های	ر ف ت ی م	گ ر م ل	ش د ی ی ز ن	ش س ت م ا
آوایی	ف ر م ا ی	خ د م ت ی ک	ب ر ا ی د ز	د س ت م ا
وزن	مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعن
نشانه‌های	U --	U - U -	U -- U	- U -
هجایی				

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱:

پایه‌های	ت ا ش د غ م ش	ه ا ل ی د ل	ب ر م ه ر س د	ن ا ل ی د ل
آوایی	د ل ر ف ت د ن د	ب ا ل ی د ل	ج ا ن م ب ح س د	ر ت ر و ن ش د
وزن	مستفعلن	فاعلاتن	مستفعلن	فاعلاتن
نشانه‌های	- U --	-- U -	- U --	-- U -
هجایی				

پایه‌های	د ل م ر م ی	د ی ل و ل ی	و ش ی س ت ش و	ر ن گ ی ز
آوایی	د ر و غ و ع	د و ق ت ت ا	ل و ض ع ر ت	گ ا م ی ز
وزن	مفاعیلن	فاعلاتن	مفاعیلن	فع لن
نشانه‌های	- U - U	-- UU	- U - U	--
هجایی				

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: وزن همسان تک‌پایه‌ای (یک هجا از پایان آن حذف شده است).

پایه‌های	ای د ل ن در	ب ن د ر ل ف ش	ا ز پ ر ی ش ا	ن ی م ن ال
آوایی	م ر غ ز ی ر ک	چ ن پ د ا م ف	ت د ت خ م ل	ب ا ی د ش
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعن
نشانه‌های	-- U -	-- U -	-- U -	- U -
هجایی				

گزینه ۳: مفعول مفاعیلن // مفعول مفاعیلن (وزن همسان دولختی)

پایه‌های	ای چ ش م	ک پ ر د ر د ی	د ر س ا ی	ی ا و ب ن ش ی ن
آوایی	ز ن ه ا ر	د ر ی ن ح ا ل ت	د ر چ ه ر	ی ا و ب ن گ ر
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
نشانه‌های	U --	--- U	U --	--- U
هجایی				

گزینه ۴: وزن همسان تک‌پایه‌ای

پایه‌های	ن ف س ی ش ا	خ ن ب ا ت م	ن ف س ی پ ی	ش ت م ا ت م
آوایی	چ ک ن م چ ا	ر چ د ا ر م	ب ک ف ت م ه	ر ی ن ر د م
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
نشانه‌های	-- UU	-- UU	-- UU	-- UU
هجایی				

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۴۳- گزینه ۱»

(سیدعلیرضا اهمری)

الف) جناس: «طور» و «نور» / تلمیح: اشاره غیرمستقیم به ملاقات خداوند و موسی در کوه طور / تشبیه: [ما] طایر هستیم و خاک آستانت مانند کوه طور است.

ب) فاقد جناس / تلمیح: اشاره غیرمستقیم به مراحل رستاخیز (تفخ صور) / تشبیه: «آه دلسوز و نفیر سینه» به «تفخ صور» مانند شده است.

ج) جناس: «دار» و بن مضارع «دار» در فعل «داریم» / تلمیح: اشاره غیرمستقیم به ماجرای به دار آویخته شدن منصور حلاج / تشبیه: «دار» به «رایت منصور» مانند شده است.

د) جناس: «در» و «هر» / فاقد تشبیه و تلمیح

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و برید)

۴۴- گزینه ۲»

(هومن نمازی)

واژه «الست» تلمیح ایجاد کرده است. در گزینه ۱ «کل آیه آمده است، در گزینه ۳» عین عبارت آمده است. گزینه ۴» تضمین از شعر رودکی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، برید)



تشریح ابیات دیگر:

ج بیت در توصیف بذل جان در راه عشق و عاشقی است و اشاره‌ای به مفهوم «آزادی» و جان‌فشانی در راه آزادی ندارد. دقت کنید که این بیت از غزلی سروده فرخی یزدی است و اتفاقاً در این قصیده هم معشوق همان «آزادی» است، اما این موضوع وقتی روشن می‌شود که ابیات دیگر غزل را هم داشته باشیم. در خود این بیت هیچ قرینه و شاهی مبنی بر این موضوع دیده نمی‌شود و بنابراین بیت را نمی‌توان هم‌مفهوم با بیت صورت سؤال دانست. د) شاعر می‌گوید: «من در طلب آزادی به ارزشمندی رسیدم.» اشاره‌ای به جان‌فشانی در راه آزادی نشده است و صرفاً به طلب آزادی و تأثیر آن بر کمال شخص مطرح شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۱۷)

علوم و فنون ادبی (۱)

۵۱- گزینه ۲

(رضا رنبری)

- رویداد مهم دیگر این دوره (قرن پنجم و ششم) نشر و گسترش زبان فارسی در هندوستان و آسیای صغیر، یعنی در نواحی شرقی و غربی بیرون از ایران، بود. زبان فارسی در پی لشکرکشی‌های متعدد محمود غزنوی و جانشینان او به هندوستان راه یافت و در اندک زمانی در میان هندوان نه تنها زبان سیاسی و نظامی بلکه زبانی مقدس قلمداد گردید.

- از ویژگی‌های شعر فارسی در این دوره (قرن پنجم و ششم) تأثیرپذیری برخی از شاعران از ادبیات عرب و مضامین شعری آن است.

- این دوره (قرن پنجم و ششم) یکی از مهم‌ترین دوره‌های کمال و گسترش نشر پارسی است. در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، نشر پارسی تازه ظهور کرده بود و - با همه پیشرفت‌هایی که داشت - هنوز در آغاز راه بود. در نیمه قرن پنجم با دوره بلوغ آن مواجه می‌شویم و در قرن ششم و اوایل قرن هفتم آن را در حال پختگی و کمال می‌یابیم.

سایر عبارت‌های بیان شده مربوط به قرن پنجم و ششم نمی‌باشند. برای وضوح بیشتر موارد، انتساب هریک را به دوره متناسب خود بررسی می‌کنیم که البته برخی مربوط به کتاب‌های پایه یازدهم هستند، اما با اطلاعات کتاب پایه دهم و حذف موارد نامربوط با قرن‌های پنجم و ششم هم می‌توان به سؤال پاسخ گفت:

- نقش فعال تلمیح در مضمون‌سازی ذیل ویژگی‌های ادبی سبک هندی ذکر شده است و در قرن‌های پنجم و ششم به چنین چیزی اشاره نمی‌شود.

- وابسته‌نبودن شعر به دربار و از بین رفتن طبقه مدیحه‌سرایان نیز مربوط به دوره صفوی و سبک هندی است.

- در قرن پنجم و ششم نشر ساده افول نمی‌کند، بلکه به کمال می‌رسد و نشر مصنوع هم در کنار آن رایج می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳)

۵۲- گزینه ۱

(مجتبی قهرهاری)

لغات مهجور فارسی در شعر سبک عراقی نسبتاً از میان می‌روند، نه اینکه بیشتر از سبک خراسانی به کار بروند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۸۴)

گزینه ۳:

پایه‌های	ساقی بـ	دهان کو ز	ی یا قوت	زوان را
آوایی	یا قوت	چ ار زد بـ	دهان قوت	زوان را
وزن	مفعول	مفاعیل	مفاعیل	فعلون
نشانه‌های	U --	U -- U	U -- U	-- U
هجایی				

گزینه ۴: هجاهای این بیت را به دو روش می‌توانیم، جدا کنیم: ۱- «۳ تایی

۴ تایی» ۲- «۴ تایی ۳ تایی»

۱- برش آوایی «۳ تایی ۴ تایی»:

پایه‌های	زان یا ر	دل نوا زم	شکر رست	با ش کایت
آوایی	گر نکت	دان عشقی	پش نو ت	این ج کایت
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
نشانه‌های	U --	-- U -	U --	-- U -
هجایی				

۲- برش آوایی «۴ تایی ۳ تایی»:

پایه‌های	زان یا ر دل	نوا زم	شکر رست	با ش کایت
آوایی	گر نکت دا	ن عشقی	پش نو ت این	ج کایت
وزن	مستفعلن	فعلون	مستفعلن	فعلون
نشانه‌های	- U --	-- U -	- U --	-- U -
هجایی				

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۴۹- گزینه ۳

(رضا رنبری)

معنای بیت صورت سؤال: منظور از «آن یار» در این بیت حسین بن منصور حلاج است. «کز او گشت سر دار بلند» یعنی سرش بر دار رفت و دار، به خاطر سر او، سرافراز شد. در این بیت، شاعر از افشای راز دوری می‌کند و می‌گوید کسی که اسرار را افشا کند، مانند حلاج گرفتار خواهد شد. (دعوت به خاموشی و رازداری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: هر کسی لایق راه عشق نیست.

گزینه ۲: آشکارسازی اسرار و عدم پنهان کردن آنها (مفهوم متقابل بیت صورت سؤال)

گزینه ۳: دعوت به خاموشی و افشا نکردن اسرار (پاسخ سؤال، همین گزینه است)

گزینه ۴: پایداری در عشق و عدم کاهش علاقه عاشق به معشوق

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۱۳۱)

۵۰- گزینه ۴

(الهام مممری)

مفهوم بیت صورت سؤال چنین است: برای رسیدن به آزادی از جان خود گذشت.

ابیات «الف و ب» نیز به موضوع بذل جان در راه رسیدن به آزادی اشاره دارند و با بیت صورت سؤال هم‌مفهومند. در بیت «ب» شاعر می‌گوید برای رسیدن به آزادی باید همانند پروانه بود، همان‌طور که پروانه جان خود را فدای شمع می‌کند.



۵۳- گزینه «۲»

(سعید مغمیری)

«رواج حس دینی» از ویژگی‌های فکری سبک قرن‌های پنجم و ششم است که در این بیت دیده می‌شود. شاعر به روایتی دینی اشاره دارد که عرش الهی را قرار گرفته بر آب تصویر می‌کند و عالم را معلق در هوا. ضمناً چنین ظرافتی را شاعر شایسته بی‌اعتنایی می‌داند و می‌گوید تمام جهان خداست و تفاوت‌ها در کائنات خیلی مهم نیستند و باید از آنها گذر کرد.

تشریح دیگر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نداشتن واژه عربی و پند و اندرز ساده بیت مربوط به سبک خراسانی است. بیت از شاهنامه است.

گزینه «۳»: درباره این بیت دقت کنید که شاعر (فرخی سیستانی) دیدار روی معشوق را با «دعا» از «ایزد» (خداوند) می‌خواهد. عنصر «دعا» نباید شما را به اشتباه بیندازد. اولاً کلمات کهن (ایزد) و ساخت‌های دستوری نسبتاً کهن (به دعا باید خواست) در این بیت نشان از سبک خراسانی دارد. درثانی اینگونه نیست که هیچ عنصر دینی‌ای در سبک خراسانی وجود نداشته باشد و این عنصر تنها در قرن‌های پنجم و ششم وارد ادبیات فارسی شده باشد. ثالثاً معشوق در این بیت کاملاً معشوقی زمینی است و شاعر برای وصال معشوق زمینی دعا می‌کند.

گزینه «۴»: سادگی زبان شعر / کهنه و مهجور بودن واژه «پردخته» به معنای «خالی». بیت از شاهنامه است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۴ و ۸۵)

۵۴- گزینه «۱»

(سیدعلیرشا اهری)

تشبیه در بیت اول: «آتش عشق» / تشبیه در بیت دوم: «شکنی از سر زلف یا یار به جهان مانند شده است» و «سخن یار» را به جان تشبیه کرده است. بیت اول فاقد کنایه و بیت دوم فاقد موازنه، کنایه و تشخیص است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بیان و بدیع)

۵۵- گزینه «۴»

(الوام مغمیری)

در میان ابیات، سه بیت «ب، ج، و» دارای موازنه و ابیات «الف، د، ه» فاقد موازنه هستند.

ب) همه واژگان دوبه‌دو با یکدیگر، سجع متوازن دارند.

سیاه	زنگی	هرگز	شود	سپید	به	آب
سپید	رومی	هرگز	شود	سیاه	به	دود

ج) همه واژگان دوبه‌دو با یکدیگر، سجع متوازن دارند.

از آن رو	خوش‌فسونی	که	مسیحی
از آن رو	دیوسوزی	که	شهابی

و) همه واژگان دوبه‌دو با یکدیگر، سجع متوازن دارند.

گلشن	هر	ضمیری	از	رخش	پرگل	آید
دامن	هر	فقیری	از	کفش	پرزر	آید

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع)

۵۶- گزینه «۴»

(رضا رنجبری)

۱) واژگان قافیه: تازد - می‌بازد / حروف الحاقی: ـه / حروف اصلی: از / الگوی حروف اصلی: مصوت بلند + صامت / قاعده «۲»

۲) واژگان قافیه: دیوانه - یا نه / حروف الحاقی: ـه / حروف اصلی: ان / الگوی حروف اصلی: مصوت بلند + صامت / قاعده «۲»

۳) واژگان قافیه: کشید - کشید / حروف الحاقی: ید / حروف اصلی: ـش / الگوی حروف اصلی: مصوت کوتاه + صامت / قاعده «۲»

۴) واژگان قافیه: تر - مشتاق تر / حروف الحاقی: ـه / حروف اصلی: ـر / الگوی حروف اصلی: مصوت کوتاه + صامت / قاعده «۲»

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه)

۵۷- گزینه «۳»

(مهتبی فرهادی)

قافیه شدن واژه‌های «غنچه» و «سبزه» امکان‌پذیر نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اگر واژه‌های قافیه در لفظ یکسان ولی در معنا متفاوت باشند، قافیه درست است و جناس هم دارد و در این بیت «دیدهام» در پایان دو مصراع واژگان قافیه و صحیح است. (طبق قاعده ۲)

گزینه «۲»: «بنگری و کافری» واژه‌های قافیه و «ر» و «ر» حروف اصلی قافیه و «ی» الحاقی محسوب می‌شود. (اگر در قاعده ۲ یعنی مصوت + صامت + صامت)، مصوت کوتاه باشد و قافیه، حروف الحاقی داشته باشد، این مصوت کوتاه می‌تواند متفاوت باشد و قافیه در این صورت صحیح است.)

گزینه «۴»: «می‌ستان» و «بران» در «ان» مشترکند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه)

۵۸- گزینه «۴»

(مفسن اصغری)

در بیت گزینه «۴» دو واژه «اختیار» و «مخیر» در سه حرف «خ، ی، ر» مشترک هستند؛ این هم‌ریشگی آرایه «اشتقاق» را پدید آورده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع)

۵۹- گزینه «۳»

(هومن نمازی)

سه نکته در خوانش این بیت باید رعایت شود: بُود - چو - بُرد، یک مصوت مرکب دارد.

گزینه «۲»: بادیه باید این‌گونه تلفظ شود: با / دِ / ی / ی (بدون در نظرگیری اختیارات).

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر)

۶۰- گزینه «۳»

(عزیز الیاسی‌پور)

مفهوم ابیات سه گزینه دیگر بر این نکته استوار است که انسان بی‌درد از درد دیگران و خصوصاً درد عاشقان بی‌خبر است. اما بیت گزینه «۳» درمورد دوری از ریا است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۹۳)



جامعه‌شناسی (۲)

۶۱- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

تشریح عبارت نادرست:

اصطلاح مرکز و پیرامون به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد. این اصطلاح را کسانی به کار می‌برند که معتقدند، کشورهای پیرامونی به سبب عملکرد کشورهای مرکزی، ضعیف و فقیر شده‌اند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۵، ۸۸ و ۸۹)

۶۲- گزینه «۱»

(یاسین ساعری)

تشریح موارد نادرست:

- آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.

- نخستین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰م در انگلستان به وجود آمد اما مهم‌ترین آن‌ها در فاصله بین دو جنگ جهانی یعنی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ م اتفاق افتاد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۲، ۹۳، ۹۵ و ۹۶)

۶۳- گزینه «۳»

(سیدآرش مرتضایی‌فر)

- فرهنگی که توان معرفتی لازم برای دفاع از ابعاد گسترده اقتصادی و سیاسی خویش را نداشته باشد، به حیوان فرتوتی می‌ماند که با وجود جثه عظیم خود، زمین گیر و آسیب‌پذیر شده است.

- بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۰)

۶۴- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

قسمت اول: درست

قسمت دوم: نادرست ← عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت کشورهای غیرغربی را توجیه می‌کرد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۴ و ۸۶)

۶۵- گزینه «۲»

(سیدآرش مرتضایی‌فر)

- تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو، ادامه یافت و به اقتصاد کشورهای صنعتی که وابسته به تسلیحات نظامی بود، رونق بخشید.

- طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد، بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. بعضی متفکران از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است با عناوین «افول سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند.

- مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۵ و ۱۰۱)

جامعه‌شناسی (۱)

۶۶- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد:

- معلم فلسفه‌ای که امسال جامعه‌شناسی تدریس می‌کند: افقی، درون نسلی
- فرزند رئیس جهاد کشاورزی که جایگزین پدرش شده است: افقی، میان نسلی
- دانش‌آموزی که امسال دانشجو شده است: صعودی، درون نسلی
- آشپزی که رستوران خود را تأسیس کرده است: صعودی، درون نسلی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۷ و ۸۸)

۶۷- گزینه «۳»

(یاسین ساعری)

- اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود.

- مرگ یک جهان اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که با وجود به کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها باز می‌ماند.

- تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۵ تا ۹۷)

۶۸- گزینه «۳»

(امیرمسین فزایی)

- جهان توحیدی انسان را با حقیقت خود آشنا می‌کند و انسان به خودآگاهی می‌رسد.

- جهانی که براساس فطرت انسانی شکل نگرفته و عقاید و ارزش‌های حق ندارد مانع شناخت درست انسان از عالم و آدم می‌شود.

- اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای از خود بیگانگی گرفتار می‌شوند.

- جشن هنر شیراز به نمادی برای از خودبیگانگی فرهنگی تبدیل شده است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۴ و ۱۰۶)

۶۹- گزینه «۲»

(کوشر شاه‌مسینی)

تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد. تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی بازمی‌گردد و گاه، ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.

غربی شدن سبک زندگی آسیایی‌ها، شیوه زندگی ناسازگار با ارزش‌های شرقی است و موجب نگرانی‌های اجتماعی می‌شود. این نوع تعارض در اثر علل بیرونی پدید می‌آید.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۹۱)

۷۰- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۹۵)

به دلیل اهمیتی که اسلام به عقل و عقلانیت می‌دهد، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب هستی‌شناسی توحیدی خود، در علوم مختلف آن‌ها نیز تصرف کرد. فرهنگ اسلامی عناصر اساطیری و مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفت. بنابراین اصول و عقاید خود را تعدیل نکرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۰۱)

روان شناسی

۷۱- گزینه «۳»

(مفید رضا توکلی)

پاسخ سؤال اول: انسان در زمان تفکر کردن، فردی آگاه است و آگاهانه بودن از ویژگی‌های اساسی تفکر انسان است.

پاسخ سؤال دوم: در مسئله موقعیت فعلی یا مبدأ باید مشخص باشد تا بتوان موانع را به خوبی شناسایی کرد و راه‌حل بهتری ارائه داد.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۴ و ۱۱۶)

۷۲- گزینه «۳»

(مهمرب میبوی)

- یکی از هدف‌های مهم نظام تعلیم و تربیت، پرورش افرادی است که بتوانند بر مسائل و مشکلات خود در زندگی روزمره غلبه کنند. هدف از تمرین‌های مختلف آموزشی فقط دستیابی به راه‌حل آن مسئله خاص نیست، بلکه هدف آن است که در اثر حل مسئله، به اصول و قوانینی دست یابیم که در موقعیت‌های دیگر هم قابل استفاده باشد. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

- مسئله‌هایی که در علوم انسانی با آن‌ها مواجه هستیم، عمدتاً از نوع «خوب تعریف نشده» هستند. زیست‌شناسی و زمین‌شناسی از مصادیق علوم تجربی هستند. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

- در مسئله «چگونه می‌توان رضایت شغلی معلمان را افزایش داد؟» ابهام‌های زیادی وجود دارد: اقدام‌های مشخص و استانداردی نداریم و نمی‌دانیم آیا استفاده از این اقدام‌ها ما را به هدف موردنظر می‌رساند یا خیر؛ بنابراین، این مسئله، یک مسئله خوب تعریف نشده است. دقت کنید که «درمان اصلی افسردگی، تغییر باورهای اشتباه فرد است.» یک فرضیه است نه یک مسئله. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

- مسیریابی با GPS از نقطه «الف» به «ب»، مسئله‌ای است که موقعیت اولیه و اقدام‌های احتمالی آن مشخص است و قوانین کاملاً استاندارد هم وجود دارد. هدف، رسیدن به نقطه «ب» است. مهم‌تر از همه اینکه می‌دانیم اگر مراحل را به درستی طی کنیم، به هدف موردنظر می‌رسیم. بنابراین با یک مسئله خوب تعریف شده مواجه هستیم. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۷ و ۱۱۹)

۷۳- گزینه «۳»

(هاثا احمدزاده)

مورد «الف»: فردی را بیان می‌کند که گذشته را به موقعیت فعلی تعمیم می‌دهد و چون تحت تأثیر تجربه گذشته است نمی‌تواند در حل مسئله مورد نظر موفق باشد. تجربه گذشته همیشه کارها را آسان نمی‌کند و در صورت بازبینی می‌تواند راهگشای مفیدی باشد. پس گزینه‌های «۲» و «۴» که مربوط به اثر تجربه گذشته نیستند حذف می‌شوند.

مورد «ب»: به این موضوع می‌پردازد که فرد بعد از راه‌حلی که انتخاب کرده و آن را به اجرا درآورده، آن را ارزیابی می‌کند و مشکل مورد نظر خود را قبل و بعد از اجرای روش با هم مقایسه می‌کند تا ملاک روشنی برای فهم موقعیت داشته باشد.

مورد «ج»: فردی را توضیح می‌دهد که ساعت‌های زیادی را صرف حل مسئله کرده اما به جواب نرسیده است. پس از آنکه سماجت بر حل مسئله برای مدت زمانی نادیده گرفته می‌شود عواملی که مانع حل آن مسئله هستند، فراموش می‌شوند و در هنگام مراجعه مجدد، حل مسئله محقق می‌شود و به اثر نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمان مشخص اثر نهفتگی می‌گویند.

مورد «د»: دانش‌آموزی را توضیح می‌دهد که برخلاف هم‌کلاسی‌هایش از زاویه دیگری به مسئله می‌نگرد. بن‌بست، زمانی ایجاد می‌شود که حل‌کننده مسئله با نگاه فعلی قادر به حل آن مسئله نباشد. راه خروج از این بن‌بست، تغییر نگاه فرد یا تغییر بازتابی آن مسئله است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۳)

۷۴- گزینه «۲»

(مهمرب‌خان فرهاری)

- احساس عاطفی مثبت نسبت به دیگران و ابراز رضایت از بودن با آنان در نتیجه برخورداری از دانش و تجربه لازم در حل مسئله است.
- ناکامی و فشار روانی دو پیامد مستقیم ناتوانی در حل مسئله هستند و پرخاشگری در نتیجه ناکامی به دست می‌آید.
- ناکامی و فشار روانی دو پیامد مستقیم ناشی از ناتوانی در حل مسئله هستند.

- علت تخریب تجهیزات عمومی توسط هواداران تیم مغلوب، پرخاشگری آنان است که به دلیل ناکامی ایجاد شده است. ناکامی وضعیت عاطفی ناخوشایندی است که در افراد پس از ناتوانی در حل مسئله به صورت مستقیم احساس می‌شود و پرخاشگری محصول ناکامی‌های مذکور است که به‌طور غیرمستقیم از ناتوانی در حل مسئله ناشی می‌شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۳۰ و ۱۳۱)

۷۵- گزینه «۲»

(مهمرب‌خان فرهاری)

افزودن به ساعات مطالعه به صورت تدریجی تا رسیدن به زمان مناسب نمونه‌ای از حل مسئله به روش خرد کردن مسئله است؛ در روش خرد کردن، یک مسئله بزرگ به چندین مسئله کوچک تقسیم می‌شود. در این روش افراد، مسئله‌های کوچک را حل می‌کنند تا به تدریج بتوانند به حل مسئله بزرگ دسترسی یابند. مثلاً برای رسیدن به ۸ ساعت مطالعه در روز، روزانه ۱۵ دقیقه به مطالعه اضافه می‌کنیم تا در نهایت به هدف اصلی خود برسیم.

تشریح گزینه‌های درست:

گزینه «۱»: در مسئله انتقال گوسفند، گرگ و علف توسط چوپان، وضعیت موجود این است که چوپان بتواند گرگ، گوسفند و علف را به آن طرف رودخانه ببرد و وضعیت مطلوب این است که چوپان به همراه گرگ و گوسفند و علف آن طرف رودخانه باشند و محدودیت این مسئله این است که چوپان نمی‌تواند گرگ و گوسفند را با هم تنها بگذارد چون گوسفند خورده می‌شود و در مسئله برج هانوی، وضع موجود این است که هر ۵ حلقه از بزرگ به کوچک روی میله سمت چپ هستند و وضع مطلوب این است که هر ۵ حلقه از بزرگ به کوچک روی میله راست باشند و محدودیت این است که در هر حرکت فقط یک حلقه باید جابه‌جا شود و نباید حلقه بزرگ روی حلقه کوچک قرار بگیرد.



گزینه «۳»: در روش شروع از آخر، از هدف اصلی شروع می‌کنیم و به خرده‌هدف‌ها می‌رسیم؛ یعنی حرکتمان رو به عقب است، در اصل دانش‌آموز با مطالعه کتاب درسی توانایی این را خواهد داشت که به امتحان نهایی سال قبل پاسخ بدهد اما در این عبارت با روش شروع از آخر، دانش‌آموز با تحلیل و حل کردن سؤالات نهایی سال قبل، مطالعه خود را آغاز می‌کند.

گزینه «۴»: روش بارش مغزی در حل مسئله‌های جمعی و گروهی کاربرد بیشتری دارد. در این عبارت، اعضای خانواده با مشورت و ثبت همه پیشنهادها در نهایت بهترین پیشنهاد یا راه‌حل را، ارائه و انتخاب می‌کنند.

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۲۶ تا ۱۲۹)

۷۶- گزینه «۴»

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: او در وضعیت تصمیم‌گیری است پس اولویت‌های متعددی برایش وجود دارد.

گزینه «۲»: دغدغه تصمیم‌گیرندگان، انتخاب بهترین اولویت است در حالی که دغدغه حل‌کننده مسئله، رسیدن به روش‌های کارآمد است.

گزینه «۳»: تصمیم‌گیری بابت انتخاب شغل یک تصمیم‌گیری مهم است.

گزینه «۴»: تصمیم‌گیری او گروهی نیست و از لحاظ اهمیت در سطح بالایی است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۳۷ تا ۱۳۹)

۷۷- گزینه «۱»

عبارت اول: نرفتن به خارج و تحصیل نکردن در آن‌جا به دلیل هزینه‌های بالای مالی و روانی است.

عبارت دوم: یادگیری زبان انگلیسی به دلیل مزیت‌های آن زبان برای مهتاپ اهمیت دارد.

عبارت سوم: سرمایه‌گذاری نکردن رامبد به دلیل خطر ضرر مالی است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ و ۱۴۲)

۷۸- گزینه «۲»

عبارت اول نادرست است. در سبک تصمیم‌گیری منطقی، فرد همه راهکارهای ممکن را می‌سنجد و پله‌پله و طبق قوانین پیش می‌رود. این سبک، بهترین شیوه تصمیم‌گیری است که فقط از اندیشیدن پیروی می‌کند نه از عجله و شتاب و احساسات و هیجانات زودگذر.

عبارت دوم نادرست است. فردی که بدون توجه به شرایط خود و از احساسات درونی‌اش اطاعت می‌کند؛ پیرو سبک تصمیم‌گیری احساسی است که ملاک تصمیم‌گیری در او عواطف و هیجانات زودگذر است و این سبک روش ماندگاری برای تصمیم‌گیری نیست چون احساسات ما زودگذر است.

عبارت سوم نادرست است. در سبک تصمیم‌گیری اجتنابی، فرد قصد دارد تصمیم بگیرد، اما تصمیم او عملی نمی‌شود. به عبارتی ساده‌تر، دست‌دست می‌کند و کار امروز را به فردا می‌اندازد و نتیجه‌اش از دست دادن فرصت‌هاست. اما سبک تصمیم‌گیری‌ای که در نوجوانان بیش از سایر دوره‌ها دیده می‌شود سبک تکانشی است نه سبک اجتنابی.

عبارت چهارم درست است. در سبک تصمیم‌گیری وابسته، فرد به جای فکر کردن، از دیگران کورکورانه اطاعت می‌کند و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود، منفعل و متکی به دیگران است.

عبارت پنجم درست است. در سبک تصمیم‌گیری تکانشی، فرد به صورت ناگهانی، باعجله و بدون محاسبه تصمیم می‌گیرد و به عواقب خطرناک تصمیمش توجه ندارد. به همین دلیل به خطر افتادن سلامت جسمانی و به بارآوردن آسیب‌های اجتماعی و روانی را به‌دنبال دارد.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۳ تا ۱۴۷)

۷۹- گزینه «۳»

«الف» نادرست است. اشاره این عبارت به (تأمین انتظارات) به تأکید بر پیامدها اشاره دارد و از طرفی دیگر اشاره به (هریک از مشاغل) یعنی به گام پنجم که اجرای بهترین اولویت است، نرسیده است و ارزیابی پیامدهای هر انتخاب (که در اینجا مشاغل است) در گام چهارم صورت می‌گیرد نه گام سوم.

«ب» درست است، زیرا در این عبارت اشاره به (بررسی روش‌های متفاوت) دارد یعنی ویژگی‌های هر روش تدریس را استخراج می‌کند که به گام سوم، یعنی بیان ویژگی‌های هر انتخاب اشاره دارد.

«ج» نادرست است. در اعتماد افراطی افراد به قضاوت‌ها و تصمیم‌های خود بیش از حد اطمینان دارند و تعریف ارائه‌شده بیانگر کنترل نکردن هیجان‌هاست.

«د» درست است. دست‌کم گرفتن خود و اعتماد به نفس پایین به کوچک‌شمردن خود اشاره دارد که مانع از تصمیم‌گیری درست می‌شود.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۸ تا ۱۵۰)

۸۰- گزینه «۲»

(الف) در این قسمت باید عبارتی قرار گیرد که بیانگر تعارض «گرایش - گرایش» باشد. موارد گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» انتخاب بین دو اولویت مطلوب است؛ بنابراین اشاره به تعارض «گرایش - گرایش» دارد. عبارت موجود در گزینه «۱» مربوط به تعارض «اجتناب - اجتناب» است. (رد گزینه ۱)

(ب) «خوردن یک دسر خوشمزه در حالی که فرد رژیم لاغری دارد» بیانگر یک اولویت است که هم جنبه خواستنی و مطلوب (خوشمزه‌گی) و هم جنبه نامطلوب (زیر پا گذاشتن رژیم لاغری) دارد. بنابراین اشاره به تعارض «گرایش - اجتناب» دارد. (رد گزینه ۳)

(ج) استفاده از روش‌های میان‌بر مربوط به تصمیم‌گیری‌های مهم و پیچیده است. (رد گزینه ۴)

(د) این قسمت در تمام گزینه‌ها درست است و گزینه‌ای رد نمی‌شود.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۱، ۱۵۲ و ۱۵۴)



عربی زبان قرآن (۲)

۸۱- گزینهٔ «۳»

(افشین کریمیان‌فر) «إِنْ»: بی گمان، همانا، بی شک / «لَا يُعَيَّرُ»: تغییر نمی‌دهد (رد گزینه‌های «۱» و «۴») / «ما بقوم»: آنچه را در قومی (یک قوم) هست (رد گزینه‌های «۱» و «۴») / «حَتَّى يُعَيَّرُوا»: تا اینکه تغییر دهند (رد سایر گزینه‌ها) / «ما»: آنچه / «أنفسهم»: خودشان (رد گزینهٔ «۲»)

(ترجمه)

۸۲- گزینهٔ «۲»

(رشا راشدرتیا) «وَجَدْتُ ... كتاباً»: کتابی را ... یافتم، یک کتاب را ... پیدا کردم / «فِي الْمَكْتَبَةِ»: در کتابخانه (رد گزینهٔ «۴») / «شَرَحْتُ»: (فعل ماضی مجهول) شرح داده شده بود (رد گزینه‌های «۱» و «۳») توجه کنید «شَرَحْتُ» فعلی ماضی است که جمله وصفیه واقع شده است، قبل از آن هم یک فعل ماضی دیگر آمده است، بنابراین «شَرَحْتُ» را معادل ماضی بعید فارسی ترجمه کرده‌ایم.

(ترجمه)

۸۳- گزینهٔ «۲»

(کامران عبداللہی - کوهرشت) «لَکِیَ یَنْجَحَ»: برای اینکه موفق شود / «لَا یُضَيِّعُ وَقْتَهُ»: نباید وقتش را تلف کند، باید وقتش را هدر ندهد (رد گزینه‌های «۱» و «۳») / «لَا یُهْمِلُ دُرُوسَهُ»: نباید در درس‌های خود (درس‌هایش) کوتاهی کند، باید در درس‌های خود (درس‌هایش) کوتاهی نکند (رد گزینهٔ «۱») / «لَنْ یَتَحَقَّقَ»: محقق نخواهد شد (رد گزینه‌های «۳» و «۴») / «دُونَ صَبْرٍ وَ جَهْدٍ»: بدون صبر و تلاش (رد گزینه‌های «۳» و «۴»)

(ترجمه)

۸۴- گزینهٔ «۲»

(علی رسولی) **تشریح سایر گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: «كَانَ»: (فعل ماضی است) نزدیک بود گزینهٔ «۳»: «یَفْرَحُ»: فعلی لازم است نه متعدی، پس «فُقَرَاءُ» فاعل است نه مفعول (عیدی که فقیران شهر در آن شاد می‌شوند...) گزینهٔ «۴»: «حَتَّى یَنْفَعَنَا عِلْمُهُمْ»: تا علم آنان به ما سود برساند

(ترجمه)

۸۵- گزینهٔ «۲»

(پیروز وهان - گنبر) «در نمایشگاه کتاب»: فی معرض الكتاب / «دیدم»: شاهدت، رأیت / «دانشجویی را که فارغ التحصیل شده بود»: طالباً تَخَرَّجَ، طالبةٌ تَخَرَّجَتْ (ماضی + جمله وصفیه ماضی ← ماضی بعید یا ساده) (رد سایر گزینه‌ها): دقت کنید گزینه‌های «۱» و «۴» به‌خاطر مضارع بودن جملهٔ وصفیه و گزینهٔ «۳» به‌خاطر عدم مطابقت فعل «تَخَرَّجَ» با «طالبة» از نظر جنس، نادرست‌اند. / «سال قبل»: فی العام الماضي، فی السنة الماضية / «از دانشگاه ما»: من جامعتنا (رد گزینهٔ «۱»)

(ترجمه)

۸۶- گزینهٔ «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های - با تغییر) با توجه به معنای عبارت سؤال (راضی کردن مردم هدفی است که به دست نمی‌آید)، مفهوم این است که «نباید به دنبال راضی کردن مردم باشیم، زیرا امری ناممکن است.» و این مفهوم، به مفهوم گزینهٔ «۱» نزدیک است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: مفهوم این است که آدم از خودراضی، عیب و نقصش از او پنهان است، یعنی عیب و نقص خود را نمی‌بیند. گزینهٔ «۳»: دربارهٔ رسیدن به مقام تسلیم و رضای خداوند است که درجهٔ عالی عرفان است و ربطی به مفهوم عبارت داده شده ندارد. گزینهٔ «۴»: معنای عبارت آن است که «ما باید به آنچه مردم می‌گویند، توجه کنیم» که ارتباطی به عبارت صورت سؤال ندارد.

(مفهوم)

۸۷- گزینهٔ «۴»

(مهمدرشا سوری - نوانور) «امتحان» مصدر باب افتعال / «تُسَاعَدُ»: فعل مضارع از باب مفاعلة / «تَعْلَمُ»: مصدر باب تفعّل در فعل «لَيَعْلَمُوا»، هنگامی که قبلش «فَ» بیاید، حرف لام ساکن می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «الْعَرْضُ» (ر) به معنی آبرو / «يُفَرِّجُ» (ر) فعل مضارع معلوم از باب تفعیل گزینهٔ «۲»: «لَيُنْقِذُوهُ» (ق) فعل مضارع معلوم از باب افعال گزینهٔ «۳»: «الْخَائِبُ» (ث) اسم فاعل / «رَجَاءُ»: (ر) به معنی امید (ضبط حرکات)

۸۸- گزینهٔ «۳»

(کامران عبداللہی - کوهرشت) صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن جملهٔ وصفیه وجود داشته باشد. در گزینهٔ «۳»، اسم نکرهٔ «کتاباً» به وسیلهٔ فعل «يَعْلَمُ» توصیف شده است (... کتابی که آموزش می‌دهد).

(قواعد اسم)

۸۹- گزینهٔ «۲»

(مصطفی قریمی‌فر) صورت سؤال، فعل نهی غایب می‌خواهد؛ در گزینهٔ «۲» فعل «لَا يَحْزَنُ» نباید ناراحت کند» نهی غایب است. (به علامت ساکن آخر آن توجه کنید) در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «لَا تُسَبِّوْا» و «لَا تُحْمَلْ» نهی مخاطب هستند، فعل «لَا يَرْحَمُ» نیز مضارع منفی است.

(قواعد فعل)

۹۰- گزینهٔ «۳»

(سیر مهمدرعلی هرتضوی) صورت سؤال، فعل «يُخْفِي / تُخْفِي» را می‌خواهد که در هنگام ترجمه، مضارع التزامی ترجمه نشود؛ در گزینهٔ «۳»، «تُخْفِي» به‌صورت مضارع اخباری (ساده) ترجمه می‌شود. (... دل‌های مجروحان دردی را پنهان می‌کنند).

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «أَنْ تُخْفِي»: که پنهان کنی گزینهٔ «۲»: «أَنْ يُنْكَرَ ... وَ يُخْفِي»: که انکار کند ... و پنهان کند گزینهٔ «۴»: «لَکِیَ يُخْفِي»: تا پنهان کند

(قواعد فعل)



عربی، زبان قرآن (۳)

۹۱- گزینه «۳»

(آرمین ساعدهانه)
«لله یحب»: خداوند دوست دارد (رد گزینه «۴» / «الذین یقاتلون»: کسانی که می‌جنگند / «فی سبیلہ»: در راهش (رد گزینه «۲» / «صفاً»: صف در صف (رد گزینه «۱» / «کأنهم بنیان مَرصوص»: گویا آن‌ها ساختمان‌های استوارند (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه، اقبیر نفسک صفحہ ۸)

۹۲- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)
«لا خیر»: (اسلوب «لا»ی نفی جنس) هیچ خیری نیست (رد گزینه‌های «۱» و «۳» / «فی علم»: در دانشی که (رد گزینه‌های «۱» و «۳» / «لا یتفع به»: (فعل مجهول) از آن سود برده نمی‌شود (رد گزینه‌های «۱» و «۲» / «فعلینا أن نعمل»: پس باید عمل کنیم (رد گزینه‌های «۲» و «۳» / «بما تعلّمنا»: به چیزی که آموختیم (رد گزینه‌های «۱» و «۳»)

(ترجمه)

۹۳- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)
«یزعم»: (در این جا) گمان می‌کنند / «قد قاموا بواجباتهم»: تکالیفشان را انجام داده‌اند (رد گزینه «۳» / «أمام أولادهم»: در برابر فرزندانشان (رد گزینه «۳» / «لم تتحقق»: محقق نشده است (رد گزینه «۱» / «غایتهم»: هدفشان (رد گزینه «۴»)

(ترجمه)

۹۴- گزینه «۳»

(سیر مفرعلی مرتضوی)
فعل «لم یکن ... یظنّ» ساختار ماضی استمراری منفی دارد و باید به صورت «گمان نمی‌کرد» ترجمه شود.

(ترجمه)

۹۵- گزینه «۳»

(میرفها قانراهمینی - اصفهان)
در این گزینه، همانند حدیث شریف در صورت سؤال، خشم باعث تباهی دانسته شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شاعر به آشکار شدن خشم در چهره و ظاهر انسان اشاره می‌کند.
گزینه «۲»: شاعر به در امان بودن مخاطب از خشم پادشاه اشاره دارد.
گزینه «۴»: شاعر علائم خشم در چهره و آمادگی برای جنگ را توصیف می‌کند.

(مفهوم)

۹۶- گزینه «۲»

(امیرمسین شکوری)
در این عبارت، «مُختَلط» (به شکل اسم فاعل) صحیح است نه «مُختَلط». دقت کنید که فعل «اختلط» (مخلوط شد، درآمیخته شد) از باب افتعال، لازم است، بنابراین نمی‌توان از آن اسم مفعول ساخت. اسم مفعول را فقط از فعل‌های متعدی (گذرا به مفعول) می‌سازیم.

(ضبط حرکات)

۹۷- گزینه «۳»

(سیر مفرعلی مرتضوی)
«کأنّ» (مثل، گویی) یکی از حروف مشبّهه بالفعل است که می‌تواند تشبیه ایجاد کند.

(انواع جملات)

۹۸- گزینه «۳»

(میرفها قانراهمینی - اصفهان)
در این گزینه، «تأمل» فعل ماضی است که پس از «لیت» آمده و به صورت ماضی استمراری (تأمل می‌کرد) یا ماضی بعید (تأمل کرده بود) ترجمه می‌شود.

نکات مهم درسی:

۱) هرگاه پس از حرف «لعلّ» یا «لیت» فعل مضارع بیاید، فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۲) فعل نهی در صیغه‌های غایب و متکلم، به صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «لا یتکتر» فعل نهی از صیغه غایب است و به صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود: «نباید تکبر کند»

گزینه «۲»: «تُشجّع» فعل مضارع از صیغه مفرد مؤنث غایب است که پس از «لعلّ» آمده است و به صورت مضارع التزامی (تشویق کند) ترجمه می‌شود.

گزینه «۴»: «تُقَبَّل» فعل مضارع از صیغه مفرد مؤنث غایب است که پس از «لعلّ» آمده است و به صورت مضارع التزامی (ببوسد) ترجمه می‌شود.

(انواع جملات)

۹۹- گزینه «۱»

(امسان کلاته عربی)
ترجمه عبارت: کودک خردسالی آرزو کرد: کاش (لیت) فصل بهار در شهر ما طولانی باشد!

دقت کنید برای بیان آرزوهای دور از دسترس (تمنّی) از «لیت» استفاده می‌شود.

(انواع جملات، اقبیر نفسک صفحہ ۸)

۱۰۰- گزینه «۲»

(افشین کریمیان فردر)
صورت سؤال، شدیدترین نفی را می‌خواهد؛ «لا»ی نفی جنس به معنی «هیچ ... نیست»، سلب کلی می‌کند؛ یعنی شدیدترین نوع نفی.
در گزینه «۲»، «لا» بر سر یک اسم نکره آمده و از نوع نفی جنس است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «لا»ی جواب به معنای «نه» است.

گزینه «۳»: «لا»ی نهی مضارع داریم.

گزینه «۴»: «لا»ی عطف، به معنای «و»، است که میان دو کلمه ارتباط ایجاد می‌کند.

(انواع جملات)



عربی زبان قرآن (۱)

۱۰۱- گزینه «۱»

(امیر حسین شکوری)
«أَنْشَأَكُمْ»: شما را خلق کرد (آفرید) (رد گزینه «۳») / «مِنَ الْأَرْضِ»: از زمین / «اسْتَعْمَرَكُمْ»: خواستار آبادانی آن از شما شد (رد سایر گزینه‌ها) / «اسْتَغْفَرُوهُ»: از او طلب آمرزش (بخشش) کنید (رد گزینه «۲») / «ثُمَّ»: سپس (رد گزینه-های ۲ و ۴) / «تَوْبُوا»: توبه کنید / «إِلَيْهِ»: به‌سوی او (رد گزینه «۳») در گزینه «۲»، «همان کسی» اضافه است.

(ترجمه)

۱۰۲- گزینه «۳»

(همیدرضا قانراهمینی - اصفهان)
«لَا يَدُّ لَنَا»: ناگزیر (ناچار) هستیم (رد گزینه «۱») / «التَّحْذِيرُ»: برحذر داشتن، هشدار دادن / «المواطنین»: شهروندان / «مِنَ حَفْرِ الْأَرْضِ»: از کندن (حفر) کردن / زمین / «الْأَنْبِیَاءُ»: لوله‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «لِبْنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ»: برای ساختن ساختمانی یا برای کشاورزی کردن / «تَجْعَلُ» (فعل مضارع مجهول): گذاشته می‌شود، قرار داده می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «لَوَحَاتٍ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ»: تابلوهایی به رنگ زرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «فُتِنَاكَ»: آنجا (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

تکات مهم درسی:

۱) در ترجمه اسم، به مفرد و جمع بودن آن دقت کنید؛
مثال: «الْأَنْبِیَاءُ» جمع مکتسر به معنای «لوله‌ها» است و نباید به‌صورت مفرد (لوله) ترجمه شود.
۲) در ترجمه فعل، به معلوم و مجهول بودن آن دقت کنید. فراموش نکنید که در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از «شد / می‌شود» استفاده می‌کنیم.

(ترجمه)

۱۰۳- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)
«سُجِّلَتْ»: ثبت شده است (فعل مجهول است). (رد گزینه «۲») / «معالم قریتنا الأثریة»: آثار تاریخی روستایمان / «قد أنارت»: جلب کرده است (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «السیاح»: (معرفه) گردشگران (رد گزینه «۱»)

(ترجمه)

۱۰۴- گزینه «۱»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «يَقْدِرُ أَنْ يُقَلِّلَ»: می‌تواند کاهش دهد
گزینه «۳»: «كُلَّ الْبِلَادِ»: تمام کشور
گزینه «۴»: «أَقْلُ حَطَرًا وَ نَفَقَةً»: کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر است

(ترجمه)

۱۰۵- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیرووری)
«سَنَّاغِرُ»: الغواص / «تزدیک»: قرب / «ساحل جذّاب دریا»: شاطئ البحر الخلاب (رد گزینه «۱») / «شنا می‌کرد»: كان یسبح (رد گزینه «۳») / «نور ماهی‌های درخشان»: ضوء الأسماك المضيئة (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «لذت می‌برد»: (در این‌جا) یستمتع (رد گزینه «۳»)

(ترجمه)

۱۰۶- گزینه «۴»

(افشین کریمیان‌فر)
عبارت «عقل سالم در بدن سالم است» با ضرب‌المثل مقابل خود ارتباطی ندارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: حدیث «سکوت زبان (موجب) سلامتی انسان است» با ضرب‌المثل مقابل مرتبط است.
گزینه «۲»: آیه «أیا جزای نیکی، جز نیکی است؟» با مصرع مقابل مرتبط است.
گزینه «۳»: آیه «گناه‌کاران از روی چهره‌شان شناخته می‌شوند» با مصرع مقابل مرتبط است.

(مفهوم)

۱۰۷- گزینه «۳»

(مرتضی کاظم شیرووری)
«یَسْتَخْرِجُ» نادرست است و صحیح آن به‌صورت «یَسْتَخْرِجُ» می‌باشد.
در باب اِستِفعال، به حرکت‌های تمام حروف در ماضی و مضارع دقت کنید:
ماضی (اِستَفْعَلُ)، مضارع (یَسْتَفْعِلُ)
«لَنْفُطُ» هم نادرست است، زیرا حرکت حرف «ن» باید کسره باشد (لَنْفُطُ).
(ضبط حرکات)

۱۰۸- گزینه «۴»

(آرمین ساعدرپناه)
می‌دانیم صفت در اعراب از موصوف خود تبعیت می‌کند، بنابراین برای تعیین اعراب صفت، باید نقش و اعراب موصوف آن را مشخص کنیم. در گزینه «۴»، «مشاکل» مفعول و منصوب است و «کثیره» نیز صفت آن و منصوب است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «موانی» نائب فاعل و مرفوع است و «کبیره» صفت آن و مرفوع است.
گزینه «۲»: «بلد» خبر و مرفوع است و «ممتاز» صفت آن و مرفوع است.
گزینه «۳»: «حبوب» مبتدا و مرفوع است و «المُهَذَّاة» صفت آن و مرفوع است.

(قواعد اسم)

۱۰۹- گزینه «۴»

(آزمین مصطفی‌زاده)
صورت سؤال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که مجهول جملهٔ اول را به شکل صحیح نوشته باشد. برای این کار، ابتدا باید فعل معلوم به شکل مجهول درآید، سپس فاعل حذف شود و مفعول به عنوان جانشین آن قرار بگیرد (نائب فاعل). همچنین فعل مجهول باید از نظر صیغه، با نائب فاعل هماهنگ شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ی» در «تُعَرِّقُنِ» مفعول و «أَمَّ» فاعل است، پس فعل مجهول باید به صورت «أَعْرِفُ» (به صیغهٔ متکلم وحده) نوشته شود.
گزینه «۲»: «یروی» فعل مضارع است، پس مجهول آن هم باید به شکل مضارع بیاید نه ماضی.
گزینه «۳»: «أَسنان» مفعول جملهٔ معلوم است و نباید در هنگام مجهول شدن، از جمله حذف شود.

(انواع فعلات)

۱۱۰- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری هنر ۹۵ - با تغییر)
در این عبارت، فعل «لَا تُنْزَلُ» معلوم است و «النَّعْمُ» مفعول آن است.
(ترجمه عبارت: به راستی که آسمان نعمت‌ها را آماده نازل نمی‌کند).
در سایر گزینه‌ها، فعل‌های «تُعْرِفُ»، «تُسَلِّبُ» و «تُغَيِّرُ» مجهول هستند و کلمهٔ «النَّعْمُ» نقش نائب فاعل را دارد.

(انواع فعلات)



تاریخ (۲)

۱۱۱- گزینه «۳»

(علیرضا پیرا)

موارد ذکر شده به ترتیب مربوط به سلسله‌های زیر است:

الف) خوارزمشاهیان - ب) غزنویان - ج) سلجوقیان - د) سلجوقیان

(تاریخ (۲)، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه‌های ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۰۵)

۱۱۲- گزینه «۲»

(محمدمهری یعقوبی)

در دوره غزنوی ابوریحان بیرونی در نجوم و جغرافیا و در دوره سلجوقی ابوالعباس لاکری و خیام نیشابوری در ریاضیات و نجوم، شهاب‌الدین سهروردی و امام فخر رازی در فلسفه و کلام و سید اسماعیل جرجانی در پزشکی از جمله معروف‌ترین دانشمندان بودند.

نکات مهم درسی:

۱) در عصر غزنوی شعر فارسی به اوج خود رسید.

۲) شعر فارسی، به ویژه در انتهای دوره سلجوقی، به رونق و شکوفایی فراوانی دست یافت.

(تاریخ (۲)، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه‌های ۱۰۷، ۱۱۰ و ۱۱۱)

۱۱۳- گزینه «۱»

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) هولاکوخان در زمان فرمانروایی برادرش منگوقاآن به ایران حمله کرد.

ج) هدف هولاکوخان از لشکرکشی به ایران نظم بخشیدن به قلمرو متصرفی مغول و گسترش فتوحات در غرب آسیا بود. (براندازی عباسیان یکی از اقدامات هولاکوخان بعد از فتح ایران بود.)

(تاریخ (۲)، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه ۱۱۵)

۱۱۴- گزینه «۲»

تشریح عبارت‌ها:

(فاطمه عزیزی)

الف) یکی از ویژگی‌های اجتماعی دوران فرمانروایی مغولان و تیموریان، دگرگونی نسبی در بافت قومی و جمعیتی ایران بود.

ب) در اوایل دوران مغول‌ها، به دلایل مختلفی همچون گرایش اشرافیت نظامی مغول به بی‌نظمی و زیاده‌طلبی، بی‌توجهی حاکمان مغولی به قوانین اسلامی و بیگانگی آنان با سنت‌های ایرانی، نظام مالیاتی به هم ریخت و انواع و اقسام مالیات‌ها که شمار آن‌ها به ده‌ها مورد می‌رسد، رواج یافت.

ج) در سراسر عهد تیموریان، قوانین شرعی و عرفی مبنای زندگی اجتماعی و داوری حقوقی ایرانیان بود.

د) پس از استقرار حکومت ایلخانی و در پی تلاش‌های دیوان سالاران و فرهیختگان ایرانی برای مهار رفتار غیرمردنی مغول‌ها، به تدریج شهر و شهرنشینی رونق یافت. این روند، پس از مسلمان شدن مغول‌ها و اصلاحاتی که توسط ایلخان غازان برای بازسازی ویرانی‌ها انجام شد، سرعت بیشتری گرفت و شهرک‌ها و شهرهای جدیدی مانند شهرک رشیدیه و ربع (ایوان، عمارت) رشیدی، شام (شنب) غازان و شهر سلطانیه، پایتخت آخرین ایلخانان، ساخته شدند.

(تاریخ (۲)، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه‌های ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲ و ۱۲۳)

۱۱۵- گزینه «۲»

(تابان صیقلی)

عوامل رکود علمی و ادبی در دوران هجوم مغولان:

۱- قتل و مهاجرت اندیشمندان و عالمان

۲- تخریب و تعطیلی مدارس، کتابخانه‌ها و مساجد

عوامل رشد تاریخ‌نگاری در عصر مغول - تیموری:

۱- علاقمندی ایلخانان و فرمانروایان تیموری به جاودانه ساختن

کشورگشایی و موفقیت‌های سیاسی و نظامی خود

۲- خودآگاهی رجال ایرانی

(تاریخ (۲)، فرهنگ و هنر در عصر مغول - تیموری، صفحه‌های ۱۳۱ و ۱۳۲)

تاریخ ایران و جهان (۱)

۱۱۶- گزینه «۴»

(محمدمهری یعقوبی)

اشکانیان در طول حدود ۴۷۰ سال حکومت، چندین بار پایتخت خود را تغییر دادند. پایتخت‌های این سلسله به ترتیب عبارت‌اند از: شهر نسا در ترکمنستان امروزی، شهر صدروازه در حوالی دامغان کنونی که یونانیان به آن هکاتم پولس می‌گفتند و شهر تیسفون در نزدیکی بغداد امروزی.

(تاریخ (۱)، اشکانیان و ساسانیان، صفحه ۹۱)

۱۱۷- گزینه «۴»

(مریم فسروی دهنوی)

الف) مربوط به شاپور یکم است.

ب) مربوط به شاپور یکم و دوم است.

ج) مربوط به شاپور دوم است.

د) مربوط به ارد دوم پادشاه اشکانی است.

(تاریخ (۱)، اشکانیان و ساسانیان، صفحه‌های ۹۳، ۹۴ و ۹۷)

۱۱۸- گزینه «۱»

(آیروا فتاح‌زاده)

نهایت گسترش هخامنشیان مربوط به داریوش یکم است.

مشورت با قضات شاهی درباره قانونی بودن برخی کارها، مربوط به کمبوجیه و خشایارشا می‌باشد.

از نو سامان دادن تشکیلات استانی یا شهری و شیوه اداره آن‌ها مربوط به داریوش یکم است.

(تاریخ (۱)، آیین کشورداری، صفحه‌های ۱۰۰ و ۱۰۵)

۱۱۹- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

(فاطمه امیری)

گزینه «۱»: هروخستر، سومین پادشاه ماد، سپاه خود را به دسته‌های کمان داران، نیزه‌داران و سواران تقسیم کرد.

گزینه «۲»: سپاه هخامنشی تا زمان داریوش یکم متکی بر واحدهای مختلف پیاده نظام بود که از قبایل، اقوام و ملل تابعه به آن پیوسته بودند.

گزینه «۴»: اشکانیان به نیروی سواره نظام اهمیت می‌دادند و نیروی پیاده نظام نقش چندانی نداشت.

(تاریخ (۱)، آیین کشورداری، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

۱۲۰- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

(مهم رسانی)

گزینه «۱»: این مطلب فقط در مورد عصر ساسانی صدق می‌کند و مربوط به دوره اشکانی نیست.

گزینه «۲»: زنان طبقه «الف» یا فرادست با نوع لباس و زیورات، از دیگر زنان متمایز بودند.

گزینه «۴»: در دوره ساسانی نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان طبقه حاکم یعنی خاندان ساسانی و اشرافیت سیاسی، نظامی و دینی وابسته با توده مردم عادی افزایش یافت و اینکه در دوره ساسانیان بار سنگین مالیات‌های گوناگون بر دوش توده مردم بود.

(تاریخ (۱)، جامعه و خانواده، صفحه‌های ۱۱۲ و ۱۱۳)



جغرافیا (۲)

۱۲۱- گزینه «۳»

(فهرزانه ناظمی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: روسیه از مهم‌ترین نواحی کشت غله تجاری در دنیاست.

گزینه «۲»: استخراج معدن از فعالیت‌های نوع اول به‌شمار می‌آید.

گزینه «۴»: کشاورزی تجاری در کشورهای کمتر توسعه یافته وجود دارد.

(پغرافیا (۲)، نوامی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحه‌های ۸۴، ۸۷، ۸۸ و ۹۰)

۱۲۲- گزینه «۳»

(مهممهری یعقوبی)

صنایع الکترونیک شامل رایانه‌ها و تجهیزات آن‌ها، وسایل صوتی و تصویری، تلفن‌های هوشمند همراه، صنایع هوافضا، لیزر، روبات‌ها و زیست‌فناوری، انرژی‌های نو، مهندسی پزشکی و به‌طور کلی، صنایع دانش بنیان از جمله صنایع نوین یا های تک هستند.

امروزه کشورها سعی می‌کنند با ایجاد پارک‌های علمی و فناوری، صنایع نو را گسترش دهند.

(پغرافیا (۲)، نوامی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحه ۹۶)

۱۲۳- گزینه «۳»

(علیرضا پدرا)

بررسی عبارت‌های نادرست:

ب) شرکت‌های چند ملیتی از شرکت‌های محلی در کشورهای میزبان برای تولید یا فروش کالاها و خدمات خود استفاده می‌کنند.

ج) نظام مالیاتی و قوانین زیست‌محیطی در کشورهای میزبان عموماً جدی و سخت نیست؛ اما اینکه شرکت‌های چندملیتی از آن پیروی نکنند، گزاره نادرستی است.

(پغرافیا (۲)، نوامی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحه ۱۰۴)

۱۲۴- گزینه «۲»

(مهندس رستمی‌ریک)

مراکش و نیکاراگوئه جزء کشورهای پیرامون هستند و سنگاپور جزء کشورهای نیمه‌پیرامون است.

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نیمه‌پیرامون (این عبارت مختص چین است). - مرکز - مرکز

گزینه «۲»: پیرامون - نیمه‌پیرامون - پیرامون

گزینه «۳»: نیمه‌پیرامون - مرکز - پیرامون

گزینه «۴»: نیمه‌پیرامون (البته اشتباه ذکر شده است؛ کره جنوبی خود جزء کشورهای نیمه‌پیرامون است). - مرکز - پیرامون

(پغرافیا (۲)، نوامی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحه ۱۰۷)

۱۲۵- گزینه «۳»

(فاطمه امیری)

کشورهای عضو اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای، براساس موافقت‌نامه‌هایی که امضا می‌کنند، سعی دارند مالیات‌ها و تعرفه‌های گمرکی را بین خودشان کاهش دهند یا بردارند تا تجارت بین کشورهای منطقه افزایش یابد و به بهبود اقتصادی کشورها کمک شود.

(پغرافیا (۲)، نوامی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحه ۱۰۸)

جغرافیا (۱)

۱۲۶- گزینه «۱»

(علیرضا پدرا)

با توجه به رابطه رشد مطلق جمعیت داریم:

$$۱۰۰ \times \frac{(\text{مهاجرت}) \pm (\text{تعداد مرگ}) - (\text{تعداد تولد})}{\text{کل جمعیت}} = \text{رشد مطلق}$$

$$\Rightarrow \frac{۱}{۱۰۰} = \frac{(۲۰۰,۰۰۰) - (۶۰,۰۰۰) \pm (\text{مهاجرت})}{۲۸,۰۰۰,۰۰۰}$$

$$۱۴۰,۰۰۰ = \text{مهاجرت}$$

علامت مهاجرت مثبت است؛ پس جمعیت کشور از طریق مهاجرت افزوده شده است.

(پغرافیا (۱)، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحه ۶۸)

۱۲۷- گزینه «۲»

(پوار پللیان)

هرچه رأس هرم سنی باریک‌تر و قاعده آن پهن‌تر باشد، یعنی جمعیت جوان و نوجوان در جامعه بیشتر است و برنامه‌ریزی‌ها باید حول این محور بچرخند. هرچه رأس پهن‌تر و قاعده باریک‌تر باشد، یعنی جمعیت سالمندان بیشتر و برنامه‌ریزی‌ها باید بیشتر در مورد آنان و جلوگیری از پیامدهای مخرب آن باشد. بنابراین گزینه «۲» صحیح است.

(پغرافیا (۱)، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحه ۷۰)

۱۲۸- گزینه «۴»

(مهممهری یعقوبی)

در دهه‌های اخیر، بر اثر گسترش بهداشت و واکسیناسیون، لوله‌کشی و بهبود آب آشامیدنی، رونق صادرات نفت (گاز ذکر نشده است) و واردات مواد غذایی؛ میزان مرگ‌ومیر کاهش یافته و سبب افزایش سریع جمعیت شده است.

اساساً نباید سیاست کنترل جمعیت به‌گونه‌ای باشد که هرم سنی کشور به سمت سالمندی و کهنسالی حرکت کند؛ زیرا این پدیده مانع اصلی بر سر راه توسعه اقتصادی جامعه خواهد بود.

(پغرافیا (۱)، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحه ۷۲)

۱۲۹- گزینه «۳»

(فهرزانه ناظمی)

الف) هخامنشیان (قبل از اسلام)

ب) صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه (بعد از اسلام)

ج) عباسیان (بعد از اسلام)

د) سلوکیان (قبل از اسلام)

ترتیب زمانی این سلسله‌ها عبارت‌اند از: هخامنشیان - سلوکیان - عباسیان - صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه
با توجه به موارد گفته شده و تقدم و تأخر سلسله‌ها، گزینه «۳» پاسخ صحیح ما می‌باشد.

(پغرافیا (۱)، تقسیمات کشوری ایران، صفحه‌های ۷۷ و ۷۸)

۱۳۰- گزینه «۳»

(مهممهری یعقوبی)

استان: واحدی از تقسیمات کشوری است که با محدوده جغرافیایی معین، از به هم پیوستن چند شهرستان همجوار تشکیل می‌شود.
شهرستان: واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند بخش همجوار تشکیل شده است.
بخش: واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند دهستان همجوار تشکیل شده است.

دهستان: کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه همجوار تشکیل می‌شود.

(پغرافیا (۱)، تقسیمات کشوری ایران، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)

فلسفه یازدهم

۱۳۱- گزینه «۳»

(عرفان دهرشتیا)

یکسان عمل کردن طبیعت یکی از قاعده‌های عقلی است که علوم تجربی و شناخت‌های تجربی بر آن تکیه دارد؛ نه یک قاعده تجربی که با همکاری حس و عقل به دست بیاید.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۴)

۱۳۲- گزینه «۲»

(علی معزی)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: در انتقال وحی به مردم از سوی پیامبر اشتباهی رخ نمی‌دهد، ولی ممکن است یک عارف در بیان شهود قلبی‌اش دچار اشتباه شود.

گزینه «۳»: وحی مختص پیامبران است، اما شهود برای هر کسی که خالصانه تزکیه نفس کند رخ می‌دهد.

گزینه «۴»: حکمت الهی می‌تواند هر دو گونه شهود عارفانه و معرفت وحیانی را در برگیرد و با آنها متناسب باشد. ضمناً شهود عارفانه هم لزوماً نامتناسب با توانایی انسان نیست.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۴ تا ۵۶)

۱۳۳- گزینه «۴»

(موسی سپاهی - سروان)

در شهود وحیانی، خداوند حقایق و معانی و حتی کلمات و عبارات خود را بر قلب پیامبر نازل می‌کند و پیامبر آن معانی و کلمات و عبارات را دریافت می‌کند و هیچ‌گونه دخل و تصرفی از طرف پیامبر در آن صورت نمی‌گیرد.

شهود وحیانی مستقیم و بی‌واسطه است و از درک معمولی انسان فراتر است. معارف وحیانی آن معارفی هستند که خداوند از طریق وحی و به‌واسطه پیامبران در اختیار بشر قرار می‌دهد و جنبه محتوایی دارند یعنی به نوعی محتوای پیام وحی را تشکیل می‌دهند.

تکلیف: معارف وحیانی دریافت معمول هستند نه غیرمعمول. دریافت غیرمعمول مربوط به شهود وحیانی است که خود شخص پیامبر به‌صورت درونی و به کمک خداوند تجربه می‌کند.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۵)

۱۳۴- گزینه «۲»

(مسین آفونری راهنمایی)

سوفیست‌ها به سبب اختلاف نظرات فیلسوفان و جهان‌شناسان (ماقبل سقراطی) و مغالطاتی که خودشان به آنها متوسل می‌شدند مدعی شدند که نه از راه عقل و نه حس نمی‌توان به حقیقت رسید.

گزاره «نه از راه حس و نه از راه عقل، نمی‌توان به حقیقت رسید» همان انکار امکان شناخت است، نه دلیلی بر انکار امکان شناخت.

(فلسفه یازدهم، نگاه به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۱۳۵- گزینه «۳»

(پرکل رفیمی)

هراکلیتوس به اعتبار هر دو منبع شناخت (حس و عقل) معتقد بود، درحالی‌که پارمنیدس حس را خطاپذیر می‌دانست و تنها عقل را منبع معتبر شناخت می‌شمرد. این گزینه تقابل دیدگاه این دو متفکر را به‌درستی نشان می‌دهد.

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: پارمنیدس حرکت را انکار می‌کرد و آن را ناشی از خطای حواس می‌دانست؛ درحالی‌که هراکلیتوس به حرکت به‌عنوان واقعیتی محسوس قائل بود. اما این گزینه به‌اشتباه، پارمنیدس را معتقد به حرکت معرفی کرده است.

گزینه «۲»: سوفسطائیان مانند پروتاگوراس، اصل امکان شناخت را منکر بودند و به نسبی‌گرایی معرفتی قائل بودند. در مقابل، افلاطون از مدافعان سرسخت شناخت عقلی و حقیقت مطلق بود.

گزینه «۴»: سوفسطائیان نه‌تنها به عقل اعتماد نداشتند، بلکه شناخت از هر راهی (حس یا عقل) را ناممکن می‌دانستند. افلاطون در نقطه مقابل آنان قرار داشت و عقل را ابزار رسیدن به حقیقت می‌دانست و ضمناً اعتبار شناخت حسی را هم به‌طور کامل رد نمی‌کرد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۱۳۶- گزینه «۳»

(مهمد رضایی‌بغا)

فارابی و ابن‌سینا هم حس و هم عقل را معتبر می‌دانستند و برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را یکی از راه‌های شناخت می‌دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. این دو فیلسوف نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سهروردی تأکید ویژه‌ای بر معرفت شهودی و قلبی داشت و کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به‌صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند.

گزینه «۲»: ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین اینکه کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره‌مند است.

گزینه «۴»: ابن‌سینا معرفت عقلی را معتبر می‌دانست.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۳۷- گزینه «۲»

(بواد پاکدل - فاروج)

ابن‌سینا در یکی از کتاب‌هایش به تبیین عرفان می‌پردازد و به‌طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید. درحالی‌که شیخ اشراق آنچه را که از طریق الهام و اشراق شهودی به دست می‌آورد تبیین استدلالی می‌کرد. (رد سایر گزینه‌ها)

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ و ۶۲)

۱۳۸- گزینه «۴»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دوره جدید اروپا از قرن شانزدهم شروع شد.

گزینه «۲»: این نزاع مربوط به معرفت‌شناسی بود، نه هستی‌شناسی.

گزینه «۳»: کانت قائل به معرفت حسی تنها و جدای از عقل نیست که روی آن تجزیه و تحلیل صورت بگیرد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۵)



۱۳۹- گزینه «۱»

(معمد کرمی-نیا - رفسنویان)

از نظر پراگماتیست‌ها، چون علم تجربی نمی‌تواند واقعیت را به‌طور کامل کشف کند، پس باید به دنبال باورهای باشی‌م که در عمل برای انسان سودمند باشند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۷)

۱۴۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

از نظر کانت، معرفت حاصل همکاری عقل و حس است و انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد در قالب مفاهیم قرار می‌دهد و درک می‌کند. (رد گزینه‌های «۲» و «۴») دکارت برعکس بیکن معتقد بود انسان به‌طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که آن‌ها را با عقل درک می‌کند و از تجربه به دست نیامده‌اند، مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. (رد گزینه «۱»)

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۳ و ۶۵)

فلسفه دوازدهم

۱۴۱- گزینه «۲»

(فیروز نژادنهف- تبریز)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اموری مثل جنس خاک کرات در کهکشان‌های دور دست این‌گونه‌اند که هستی آنها را می‌دانیم، اما چیستی آنها بر ما روشن نیست، نه اینکه اصلاً چیستی نداشته باشند.

گزینه «۳»: هستی و چیستی دو جزء از یک چیز نیستند.

گزینه «۴»: مفهوم درستی دارد، اما مربوط به قدم اول است که تصدیق واقعیت مستقل از ذهن است.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲۲ و ۲۵)

۱۴۲- گزینه «۴»

(علی معزی)

همه ماهیات وجود ندارند که بخواهند در هستی، اشتراک داشته باشند (رد گزینه «۱»). بسیاری از ماهیات را می‌توانیم در ذهن داشته باشیم، اما وجود ندارند؛ مثل ققنوس (رد گزینه «۲»). ممکن است موجوداتی باشند که انسان از چیستی‌شان بی‌اطلاع باشد. (رد گزینه «۳»).

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲۲ و ۲۴)

۱۴۳- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سروان)

برهان وجوب و امکان برهانی در اثبات وجود خدا و مربوط به ابن‌سینا است، نه فارابی.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۱۴۴- گزینه «۳»

(معمد کرمی-نیا - رفسنویان)

فرانسیس بیکن بانی فلسفه تجربه‌گراست و برخلاف امثال آکوئیناس که تحت تأثیر اندیشه‌های ابن‌رشد و ابن‌سینا بودند، با فلسفه این فیلسوفان مسلمان، اختلافات بزرگی دارد. به این نکته نیز توجه داشته باشید که ابن‌رشد، ابن‌سینا و فارابی به‌نوعی فیلسوفان ارسطویی به حساب می‌آیند.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی و جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۶، ۷، ۱۶ و ۱۷)

۱۴۵- گزینه «۳»

(عرفان دهنرینیا)

تنها ماهیت و ذات (یا چیستی) است که می‌توان برایش حالت امکانی فرض نمود، زیرا ماهیت یا ذات با وجود مغایرت دارد و یک ماهیت می‌تواند موجود باشد یا موجود نباشد. اما وجود نمی‌تواند حالت امکانی داشته باشد و وجود ضرورتاً موجود است و امکان ندارد موجود نباشد. (رد گزینه‌های «۱» و «۲» و «۴»)

در مورد بخش دوم صورت سؤال می‌توان گفت همه موارد درست هستند به جز «واجب‌الوجود بالذات» در گزینه «۱» و «ممکن‌الوجود بالغیر» در گزینه «۴».

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۲)

۱۴۶- گزینه «۱»

(معمد رضایی‌بقا)

از آن‌جا که می‌دانیم موجودی به نام «اسب تک‌شاخ» در واقعیت وجود ندارد، اما وجود آن محال نیست، پس این ماهیت ممکن‌الوجود بالذات است و نمی‌توان آن را ممتنع‌الوجود بالذات دانست. (نادرستی گزینه «۳») از طرفی، چون در سؤال، بحث از ماهیت «اسب تک‌شاخ» است، نه وجود یا عدم آن، پس نمی‌توان گفت «منعی برای به‌وجود آمدنش نیست»، زیرا نبود علتی برای موجود شدن این ماهیت خودش منعی برای به‌وجود آمدن آن است. (نادرستی گزینه «۲») چون چنین ماهیتی وجود ندارد، پس نمی‌توان آن را واجب‌الوجود بالغیر دانست؛ گرچه هر واجب‌الوجود بالغیر از واجب‌الوجود بالذات نشأت گرفته است. (نادرستی گزینه «۴»)

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۲)

۱۴۷- گزینه «۲»

(پواد پاکدل - غاروج)

قضایای مطرح در گزینه «۲» همگی رابطه وجوبی میان موضوع‌ها و محمول‌هایشان برقرار است.

مثلاً سه ضلع دارد (وجوبی)-دایره ضلع ندارد (وجوبی)-عدد هشت دوبرابر عدد چهار است. (وجوبی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: امکانی - امکانی - وجوبی

گزینه «۳»: امکانی - امکانی - امتناعی

گزینه «۴»: امتناعی - وجوبی - امکانی

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۲)

۱۴۸- گزینه «۴»

(پرگل رییمی)

رابطه علتی رابطه‌ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد، و اگر علت نباشد، معلول هم نخواهد بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در متن کتاب درسی به‌صراحت آمده است که رابطه علتی همانند رابطه دوستی نیست. در رابطه دوستی، ابتدا هر دو طرف وجود دارند و بعد ارتباط برقرار می‌شود؛ اما در رابطه علتی، وجود یکی (معلول) وابسته به وجود دیگری (علت) است.

گزینه «۲»: علت از نظر وجودی مقدم بر معلول است؛ معلول از علت وجود می‌گیرد. در واقع علت و معلول هم‌زمان هستند، اما علت تقدم وجودی رتبی بر معلول دارد.



گزینه «۳»: در متن کتاب درسی آمده که انسان با پرسش «چرا» در پی کشف علت است، اما وجود رابطه علیت وابسته به آگاهی انسان نیست؛ حتی اگر ندانیم علت چیست، باز هم رابطه علیت برقرار است.
(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۱۴۹- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)
هیوم یک تجربه‌گرا است و معتقد است اصل علیت صرفاً ناشی از حالت ذهنی تداعی است؛ اما دکارت معتقد است هر انسانی با درکی از علیت متولد می‌شود.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۵۰- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور سراسری ۱۴۰۰)
دکارت درک اصل علیت را فطری و ذاتی می‌دانست. در حالی که فیلسوفان مسلمان آن را اصلی می‌دانستند که توسط عقل ادراک می‌شود و در تجربه مکشوف نیست.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۸)

منطق

۱۵۱- گزینه «۳»

(موسی سپاهی - سروان)
قضایای شرطی متصل قضایایی هستند که در آن‌ها به اتصال و پیوستگی بین دو نسبت حکم شده است. این قضیه‌ها دارای شرط و جواب شرط هستند، یعنی دارای دو جزء مقدم و تالی هستند. قسمت شرط همان مقدم و قسمت جواب شرط تالی است.
در مصراع دوم بیت گزینه «۳» ابتدا مقدم و سپس تالی مطرح شده است. اما عبارت‌های مطرح‌شده در سایر گزینه‌ها قضیه شرطی نیستند، زیرا همگی جملات امری یا نهی هستند و قابلیت صدق و کذب ندارند و قضیه به حساب نمی‌آیند.

تکته: هر عبارتی که علامت شرط دارد، لزوماً قضیه شرطی نیست.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۱۵۲- گزینه «۱»

(پرگل ریمی)
«یا امروز باران می‌بارد یا هوا کاملاً آفتابی است.»
این یک قضیه منفصل مانعة‌الجمع است، چون اگر یکی از حالات (باران یا آفتاب) صادق باشد، دیگری نمی‌تواند صادق باشد (همزمان باران و کاملاً آفتابی نداریم). اما ممکن است هیچ‌کدام صادق نباشد (مثلاً هوا ابری باشد، نه بارانی نه آفتابی)، پس قابل جمع در صدق نیستند، اما قابل جمع در کذب هستند.

پرسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «یا تحقیقش را تحویل می‌دهد یا تنبیه می‌شود.» منفصل حقیقی

گزینه «۳»: «یا با شماره ملی یا با شماره پرونده کارنامه را می‌توانی ببینی.» این یک قضیه منفصل مانعة‌الخلو (یا مانعة‌الرفع) است، چون حداقل یکی از این دو باید باشد و نمی‌توان هر دو را نداشت (قابل جمع در کذب نیستند).

گزینه «۴»: «یا باید ثبت‌نام کنی یا اجازه نداری شرکت کنی.» منفصل حقیقی

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۸۷)

۱۵۳- گزینه «۳»

(علی معزی)
منفصل مانعة‌الجمع شبیه به رابطه تضاد است که اگر قضیه اصل کاذب باشد، صدق و کذب جزء دیگر نامعلوم است (یعنی کذب هر دو جایز است). منفصل حقیقی شبیه رابطه تناقض است و منفصل مانعة‌الرفع شبیه رابطه تداخل تحت تضاد است که در هر دوی آنها، اگر قضیه اصل کاذب باشد، جزء دیگر قطعاً صادق است.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۵ و ۸۹)

۱۵۴- گزینه «۴»

(هسین آفندی رانمایی)
با فرض صادق بودن قضیه شرطی منفصل، اگر بین محمول دو طرف قضیه، نسبت تباین برقرار باشد، قضیه منفصل می‌تواند منفصل حقیقی یا منفصل مانعة‌الجمع باشد.

نمونه منفصل حقیقی: مفهوم یا کلی است یا جزئی (یا مفهوم کلی است یا مفهوم جزئی است).

نمونه منفصل مانعة‌الجمع: یا امروز سه‌شنبه است یا چهارشنبه (یا امروز سه‌شنبه است یا امروز چهارشنبه است).

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۵ و ۸۹)

۱۵۵- گزینه «۴»

(عرفان دهرشیا)
یکی از مقدمات قیاس استثنایی انفصالی می‌تواند قضیه شرطی منفصل حقیقی یا مانعة‌الجمع و یا مانعة‌الرفع باشد. اما نتیجه یک قیاس استثنایی انفصالی قضیه‌ای حملی است. (رد گزینه «۱»)

ضمناً گزینه «۲» مربوط به قیاس اقترانی است، نه قیاس استثنایی انفصالی. اینکه همیشه اثبات یک طرف نفی طرف دیگر را نتیجه بدهد، در کتاب درسی تنها درباره قیاس انفصالی حقیقی بیان شده است نه در مورد تمامی انواع قیاس‌های انفصالی. بهتر است بدانید در قیاس انفصالی مانعة‌الرفع این قاعده کلی وجود ندارد. (این مطلب در کتاب درسی در بخش ستاره‌دار آمده است، اما فهمیدن این قاعده با تعریف قضیه منفصل مانعة‌الرفع کار سختی نیست).

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۲ و ۹۵)

۱۵۶- گزینه «۲»

(مهمد رضایی‌بقا)
قیاس استثنایی انفصالی در صورتی می‌تواند از اعتبار برخوردار باشد که در مقدمه دوم آن، وضع مقدم یا رفع تالی صورت گرفته باشد. پس در صورت رفع مقدم یا وضع تالی، مغالطه رخ داده است. البته باید به جابه‌جایی مقدم و تالی در مقدمه اول که قضیه‌ای شرطی است، دقت شود.

پرسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اگر پرخوری کنم (مقدم)، مریض می‌شوم (تالی)؛ پس چون من پرخوری نمی‌کنم (رفع مقدم)، مریض نخواهم شد. (نامعتبر)

گزینه «۲»: با والیبال خداحافظی خواهم کرد (تالی)، در صورتی که در بازی فردا برنده نشویم (مقدم). در بازی پیروز نشدیم (وضع مقدم). پس به والیبال ادامه نخواهم داد. (معتبر)



اقتصاد

۱۶۱- گزینه ۳»

(مهری ضیائی)

ایران به دلیل وسعت و پهناوری جغرافیایی، برخورداری از منابع طبیعی و قرار گرفتن در چهارراه بین‌المللی، از دوران باستان جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد جهان داشته است.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۶۲- گزینه ۱»

(مهری ضیائی)

- برقراری نظم مالی و اداری: قاجار (توسط امیرکبیر)
- قرار گرفتن ساختارهای اساسی اقتصاد کشور زیر سلطه و برنامه‌ریزی بیگانگان: پهلوی
- ناآگاهی حاکمان وقت از موقعیت جهان و وظایف خطیر تاریخی خود: دوره پایدانی حکومت صفوی

- راه افتادن کشتی‌های تجاری در دریای خزر و خلیج فارس: قاجار

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

۱۶۳- گزینه ۴»

(مهمد مسین متولی)

الف) اینکه کشورها در شرایط سخت و پیش‌بینی نشده، چه واکنشی نشان دهند، به قدرتمند بودن آن‌ها بستگی دارد.
ب) برای عبور از مشکلات اقتصادی و آسیب‌هایی که در دوران کنونی، اقتصاد ملی ما را تهدید می‌کند، مقاومت‌سازی اقتصاد و مصونیت‌بخشی به آن در برابر فشارها و تکانه‌های خارجی، ضروری است.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه ۱۱۱)

۱۶۴- گزینه ۳»

(مهری کاردان)

عبارت: «این کشورها فاقد بیکاری می‌باشند»، «از ثبات کامل قیمت‌ها و بازارها برخوردار هستند» و نیز عبارت «نرخ واردات در آن‌ها بسیار پایین است، چون تمام تولیدات در داخل انجام می‌شود»، نادرست می‌باشند.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۱۸)

۱۶۵- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

الف) نشان دهنده رشد اقتصادی است. (گاهی افزایش شاخص رشد یک کشور را با افزایش درآمد آن معادل در نظر می‌گیرند).
ب) نشان دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است. (با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول در کشورهای مختلف شاخصی به دست می‌آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد به کار می‌رود).

ج) نشان دهنده رشد اقتصادی است. (گاهی افزایش شاخص رشد یک کشور را با افزایش درآمد آن معادل در نظر می‌گیرند).

د) نشان دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است. (مؤلفه‌هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص‌های نابرابری، تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی است).

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۸)

گزینه ۳: اگر فردا امتحان داشته باشیم (مقدم)، نمی‌توانیم امشب به مهمانی برویم (تالی). از دوستم پرسیدم و گفت که امتحان نداریم (رفع مقدم)؛ پس با خیال راحت می‌توانیم به مهمانی برویم. (نامعتبر)
گزینه ۴: هرکس دیپلم انسانی دارد (مقدم)، آرایه می‌داند (تالی)؛ پس مهسا که دیپلمه ریاضی است (رفع مقدم)، آرایه نمی‌داند. (نامعتبر)
(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۵۷- گزینه ۲»

(فیروز نژادنهف - تبریز)

رفع مقدم در نتیجه رفع تالی رخ داده است که معتبر است.

علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مغالطه وضع تالی دارد. شکل درست قیاس این‌گونه است ← اگر برق نداشته باشیم، تلویزیون کار نمی‌کند. برق نداریم؛ پس تلویزیون کار نمی‌کند.

یا: اگر برق نداشته باشیم، تلویزیون کار نمی‌کند. تلویزیون کار می‌کند؛ پس برق داریم.

گزینه ۳: در این قضیه اصلاً انفصالی وجود ندارد. بنابراین هیچ نتیجه‌ای نمی‌توان از آن گرفت.

گزینه ۴: با رفع مقدم نمی‌توان به نتیجه رسید و مغالطه رفع مقدم رخ داده است.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۳)

۱۵۸- گزینه ۴»

(مهمد کرمی‌نیا - رفسنجان)

مقدمه اول قیاس استثنایی انفصالی قضیه‌ای شرطی متصل است که وضع مقدم آن موجب وضع تالی و رفع تالی آن موجب رفع مقدم می‌شود.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۶)

۱۵۹- گزینه ۳»

(پوار پاکدل - خاروج)

می‌دانیم که قیاس استثنایی انفصالی حقیقی است که چهار حالت آن معتبر است. پس در گزینه‌ها باید قضیه منفصل حقیقی پیدا کنیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: یک قضیه متصل است.

گزینه ۲: یک قضیه منفصل مانع‌الجمع است.

گزینه ۳: یک قضیه منفصل حقیقی است.

گزینه ۴: یک قضیه منفصل مانع‌الرفع است.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۶)

۱۶۰- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

اگر دو مفهوم نقیض یکدیگر باشند، می‌توان با کمک آن‌ها قضیه شرطی منفصله حقیقی ساخت.

مانند: ناطق ≠ غیرانسان

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۷ و ۸۸)



۱۶۶- گزینه «۲»

(معمرفسین متولی)

الف) تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۱۴۰۱:

$$\text{تومان} = (2,000 \times 800) + (4,500 \times 500) = 3,850,000$$

ب) تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۱۴۰۲:

$$\text{تومان} = (1,000 \times 1,000) + (4,000 \times 550) = 3,200,000$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۲۳)

۱۶۷- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۹۳)

تولید خارجی‌ان مقیم کشور - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی

سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند +

$$255 = 250 - x + 15 \Rightarrow 255 = 265 - x \Rightarrow x = 10$$

میلیارد ریال ۱۰ $x = 10$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۱۶۸- گزینه «۲»

(آفرین سامری)

الف) ابتدا باید وضعیت توزیع درآمد در کشور A را محاسبه کنیم:

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{\text{شاخص توزیع درآمد}}{\text{شاخص توزیع درآمد}}$$

$$\frac{33}{6} = 5.5 = \frac{5}{1}$$

هر چه عدد شاخص توزیع درآمد کمتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه مناسب‌تر و عادلانه‌تر است. می‌خواهیم کشور B وضعیت مناسب‌تری در توزیع درآمد نسبت به کشور A داشته باشد، بنابراین شاخص وضعیت توزیع درآمد در کشور B باید کمتر از ۵/۵ باشد. طبق فرض مسئله سهم دهک اول در کشور B برابر با ۵ درصد است، اگر سهم دهک دهم برابر با ۲۷/۵ درصد باشد، شاخص وضعیت توزیع درآمد در کشور B برابر با ۲۷/۵ درصد باشد، شاخص وضعیت توزیع درآمد در کشور A می‌شود. بنابراین برای داشتن توزیع مناسب‌تر درآمد در کشور B، سهم دهک دهم باید از ۲۷/۵ درصد کمتر گردد. در نتیجه تنها گزینه «۲» پاسخ صحیح است.

در گزینه «۴» نمی‌توان عدد ۲۵ را به عنوان سهم دهک دهم در نظر گرفت. زیرا سهم هر دهک باید از دهک قبلی خود (دهک نهم)، بیشتر یا مساوی با آن باشد.

در گزینه «۳» نیز شاخص توزیع درآمد به سهم دهک اول و سهم دهک دهم هر دو بستگی دارد. در نتیجه عادلانه‌تر شدن آن نسبت به کشور A امکان‌پذیر است.

ب) دهک اول کشور B، ۵ درصد از درآمد ملی را دارد. در نتیجه افراد این دهک کم‌ترین سهم را دارند.

ج) هر چه نسبت شاخص توزیع درآمد کمتر باشد، وضعیت توزیع درآمد در آن کشور عادلانه‌تر است. بنابراین باید فاصله بین دهک اول و دهک دهم کمتر شود. دولت به دو حالت می‌تواند این فاصله را کم کند: ۱- افزایش سهم دهک اول ۲- کاهش سهم دهک دهم

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۳ و ۱۲۵)

۱۶۹- گزینه «۳»

(امسان عالی‌نژاد)

الف) مؤلفه‌هایی نظیر: ۱- میزان امید به زندگی در بدو تولد ۲- میانگین سال‌های تحصیل ۳- سرانه درآمد ناخالص ملی تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی (HDI) هستند.

ب) در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ و جزء کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا به‌شمار می‌رود.

ج) نروژ، رتبه یک HDI را به خود اختصاص داده است و سوئیس در رتبه دوم قرار دارد.

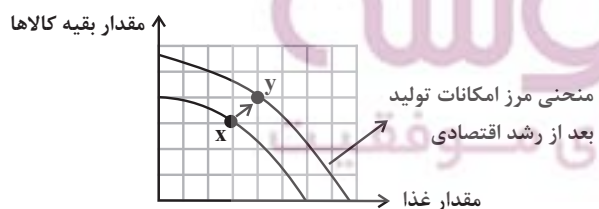
(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۶)

۱۷۰- گزینه «۲»

(آفرین سامری)

برای نشان دادن تأثیرات رشد اقتصادی، می‌توانیم از الگوی مرز امکانات تولید استفاده کنیم. نمودار زیر، نشان دهنده مرز امکانات تولید یک کشور است. محور افقی نشان دهنده مقدار غذای تولید شده در کشور (همه انواع غذاها) و محور عمودی نشان دهنده همه مقادیر تولید شده از کالاهای دیگر (یعنی همه انواع کالاها و خدمات به جز غذا) است. فرض کنیم ابتدا کشور تولید در نقطه X را انتخاب می‌کند.

- واضح است که مردم برای سلامتی و رفاه بیشتر، مقدار بیشتری از غذا و سایر کالاها را می‌خواهند. اگر کشور با صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهد، با گذشت زمان، ظرفیت تولیدی کشور توسعه می‌یابد و در نتیجه مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می‌شود. رشد اقتصادی به کشور امکان می‌دهد تا غذا و کالاهای دیگر بیشتر و بیشتری را تولید و مصرف کند.



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: افزایش تقاضا موجب جابه‌جایی در طول نمودار می‌شود.

گزینه «۳»: بیکاری باعث انتقال یا جابه‌جایی بر روی نمودار نمی‌شود، فقط نقطه تولید به نقطه‌ای در درون یا داخل منحنی مرز امکانات (نقطه ناکارایی تولید) منتقل می‌شود.

گزینه «۴»: افزایش قیمت برابر با رشد تولید نیست.

(اقتصاد، بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)



دفترچه پاسخ

آزمون هوش و استعداد

(دوره دوم)

۱۴ شهریور

تعداد کل سؤالات آزمون: ۲۰
زمان پاسخ‌گویی: ۳۰ دقیقه

گروه فنی تولید

حمید لنجان زاده اصفهانی	مسئول آزمون
فاطمه راسخ	ویراستار
محیا اصغری	مدیر گروه مستندسازی
علیرضا همایون خواه	مسئول درس مستندسازی
حمید اصفهانی، فاطمه راسخ، حمید گنجی، حامد کریمی، فرزاد شیرمحمدلی	طراحان
معصومه روحانیان	حروف چینی و صفحه‌آرایی
حمید عباسی	ناظر چاپ

استعداد تحلیلی

۲۵۶- گزینه ۲»

(کتاب استعداد تحلیلی، هوش کلامی، مشابه کنکور دکتری سال ۹۳)

نبود نام پدر امیر و مریم در مستندات سال ۱۳۲۰ بیمارستان، به این معنا نیست که او در سال ۱۳۱۸ متولد شده است. به شرطی می توان از نبودن نام پدر امیر و مریم در مستندات سال ۱۳۲۰ بیمارستان به متولد سال ۱۳۱۸ بودن او رسید که او حتماً در یکی از این دو سال متولد شده باشد.
(استرال، هوش کلامی)

۲۵۷- گزینه ۲»

(کتاب استعداد تحلیلی، هوش کلامی)

عبارت «شرف المکان بالمكن» یعنی «ارزش جایگاه به خود جایگاه نیست، بلکه به صاحب جایگاه برمی گردد.» در واقع همان طور که عبارت گزینه «۲» می گوید، «جایگاهی بالاست که شخصی والامقام آن جا نشسته باشد.» عبارت گزینه «۱» می گوید وقتی اصل چیزی هست، نباید به سراغ جانشین هایش رفت. عبارت گزینه «۳» به شکست اشاره می کند و عبارت گزینه «۴» در نکوهش کسی است که کارش را رها کرده به سراغ کاری رفته که به ظاهر پست تر است.
(قرابت معنایی، هوش کلامی)

۲۵۸- گزینه ۳»

(مید اصفهانی)

ردیف پنجم به ۲ نیاز دارد. فقط یک جایگاه برای این عدد هست. بعد از قرار دادن عدد ۲، به همین قیاس جایگاه عدد ۳ هم معلوم می شود. یک خانه برای عدد ۴ در این ردیف باقی است.
حال در ستون پنجم، به همین قیاس جایگاه عددهای ۱ و ۵ معلوم می شود. حال در ردیف دوم به عدد ۲ نیاز داریم و فقط یک جایگاه برای آن هست. به همین ترتیب جایگاه عددهای ۵ و ۱ هم معلوم است.
حال در ستون اول، عدد ۴ معلوم می شود و در ردیف چهارم، عدد ۵. در ردیف سوم نیز عدد ۲ معلوم است. پس حاصل خواسته شده، $4 \times 2 = 8$ است.

	۱	۲	۳	۴	۵
۱	۲				۵
۲	۱	۲	۴	۵	۳
۳	۵		۲		۱
۴	۴	۵			۲
۵	۳	۱	۵	۲	۴

(سورکوه، هوش منطقی ریاضی)

۲۵۱- گزینه ۱»

(فامد کریمی)

شهر برلین در کشور آلمان است.

(کلمه سازی، هوش کلامی)

۲۵۲- گزینه ۳»

(فامد کریمی)

کشور مراکش در افریقا است.

(کلمه سازی، هوش کلامی)

۲۵۳- گزینه ۴»

(مید اصفهانی)

در شکل درست، دو واژه «آیا چگونه» بدین شکل در کنار هم قرار نمی گیرند.

(تصحیح بملات، هوش کلامی)

۲۵۴- گزینه ۳»

(مید اصفهانی)

شکل درست جمله ۲۶ نقطه دارد: بندگی، بیداد و دروغ، مصیبت هستند و ارتباطات را پایان می دهند

(ترتیب کلمات، هوش کلامی)

۲۵۵- گزینه ۱»

(فامد کریمی)

ترتیب پیشنهادی:

ج) ناگهان در کوچه دیدم بی وفای خویش را / باز گم کردم ز شادی دست و پای خویش را
الف) با شتاب ابرهای نیمه شب می رفت و بود / پاک چون مه شسته روی دلبرای خویش را
د) تا به من نزدیک شد، گفتم: «سلام ای آشنا» / گفتم اما هیچ نشنیدم صدای خویش را
ب) کاش بشناسد مرا آن بی وفا دختر «امید» / آه اگر بیگانه باشد آشنای خویش را

(ترتیب بملات، هوش کلامی)

۲۵۹- گزینه «۴»

(غرض از شیرممدلی)

قیمت مجسمه را x و قیمت تابلو را y می گیریم. داریم:

$$\begin{aligned}\frac{3}{4} \times x + 100000 &= \frac{4}{3} y - 100000 \\ \Rightarrow 9x + 1200000 &= 16y - 1200000 \\ \Rightarrow 16y &= 9x + 2400000\end{aligned}$$

یک معادله و دو مجهول، جواب یکتایی ندارد: $y = \frac{9}{16}x + 150000$

مثلاً اگر $x = 16$ باشد، $y = 150009$ خواهد بود و اگر $x = 1600000$ باشد، $y = 250000$ خواهد بود.

(کفایت داده، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۰- گزینه «۱»

(غرض از شیرممدلی)

داریم:

$$\begin{aligned}\frac{\text{الف} + 5}{\text{ب} + 3} &= \frac{\text{الف}}{\text{ب}} \Rightarrow (\text{الف} \times \text{ب}) + (5 \times \text{ب}) = (\text{الف} \times \text{ب}) + (3 \times \text{الف}) \\ \Rightarrow \frac{\text{الف}}{\text{ب}} &= \frac{5}{3} \Rightarrow \frac{\text{الف}}{\text{کل}} = \frac{5}{8}, \frac{\text{ب}}{\text{کل}} = \frac{3}{8}\end{aligned}$$

داریم:

(کفایت داده، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۱- گزینه «۴»

(عمید اصفهانی)

سن علی، مجید و حسن را به ترتیب A ، M و H می گیریم.

$$\begin{aligned}A - 8 &= 2(M - 8) \Rightarrow A = 2M - 8 \\ A &= 2h\end{aligned}$$

فاصله سنی مجید و حسن معلوم می شود:

$$\Rightarrow 2M - 8 = 2h \Rightarrow m - 4 = h$$

ولی فاصله سنی علی و مجید معلوم نیست.

(کفایت داده، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۲- گزینه «۲»

(عمید کنی)

عدد باید فرد باشد، پس یکان یا یک است یا سه.

اگر یکان سه باشد، جمع ارقام دهگان و صدگان هم باید «مضرب سه» باشد، یعنی $(3, 3)$ ، $(1, 2)$ ، $(2, 1)$ و $(3, 0)$ پذیرفته است.

اگر یکان یک باشد، جمع ارقام دهگان و صدگان هم باید «مضرب سه منهای یک» باشد، یعنی: $(2, 0)$ ، $(2, 3)$ و $(3, 2)$

پس مجموعاً $3 + 4 = 7$ عدد با شرطهای صورت سؤال ساخته می شود.

(بش پزیری و اصل ضرب، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۳- گزینه «۳»

(عمید کنی)

دو الگو در سؤال هست:

$$\begin{array}{ccccccc} & -4 & \div 4 & +4 & \times 4 & -4 & \\ 8, 12, 10, 8, 5, 2, 3, 6, 6, 24, 8, 20 & & & & & & \\ +2 & \div 2 & -2 & \times 2 & +2 & & \end{array}$$

(الگوی عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۴- گزینه «۳»

(عمید کنی)

$$(9-7) \times 9 = 18, (4-3) \times 13 = 13, (6-0) \times 7 = 42$$

$$(9-2) \times ? = 49 \Rightarrow ? = 49 \div 7 = 7$$

پس:

(الگوی عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۵- گزینه «۳»

(غرض از شیرممدلی)

$$9 \times 7 - 3 \times 8 = 63 - 24 = 39$$

$$8 \times 7 - 5 \times 3 = 56 - 15 = 41$$

$$16 \times 2 - 1 \times 8 = 32 - 8 = 24$$

$$5 \times 15 - 3 \times ? = 6$$

$$\Rightarrow ? = \frac{75-6}{3} = 23$$

پس:

(الگوی عددی، هوش منطقی ریاضی)

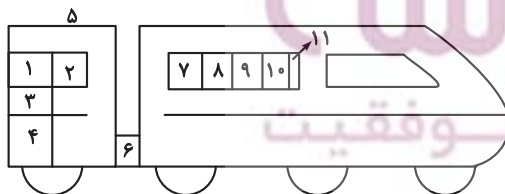
۲۶۶- گزینه «۴»

(فاطمه راسخ)

علاوه بر ۱۱ مستطیل آشکار، ۱۴ مستطیل دیگر هم در شکل هست:

$$\begin{aligned}(1, 2), (1, 3), (3, 4), (1, 3, 4), (7, 8), (8, 9), (9, 10), (10, 11) \\ (7, 8, 9), (8, 9, 10), (9, 10, 11), (7, 8, 9, 10), (8, 9, 10, 11) \\ (7, 8, 9, 10, 11)\end{aligned}$$

پس تعداد کل مستطیل ها $11 + 14 = 25$ است.



(شمارش، هوش غیرکلامی)

۲۶۷- گزینه «۱»

(فاطمه راسخ)

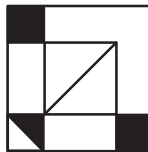
از تکرارها متوجه می شویم حروفی که در الفبای فارسی هست، کد A و آنهایی که نیست، کد D گرفته اند. همچنین دوتقطه ای ها کد B دارند و سه نقطه ای ها کد C. پس حرفی سه نقطه ای از الفبای فارسی می خواهیم.

(کدگذاری، هوش غیرکلامی)

۲۶۸- گزینه «۴»

(فاطمه، اسخ)

اگر سه برگه را روی هم بیندازیم شکل زیر حاصل می‌شود:



با چرخاندن ۹۰ درجه ساعتگرد آن، شکل زیر را خواهیم داشت:

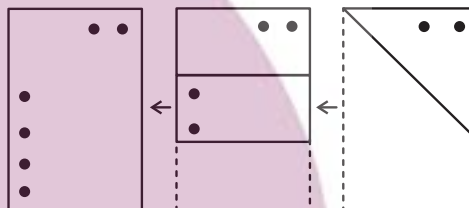


(کاغذ شفاف، هوش غیرکلامی)

۲۶۹- گزینه «۴»

(همیر کتبی)

مراحل تا را پس از سوراخ، برعکس طی می‌کنیم:

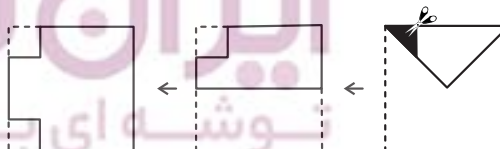


(تای کاغذ، هوش غیرکلامی)

۲۷۰- گزینه «۱»

(فرزاد شیرمشمولی)

مراحل تا را پس از برش، برعکس طی می‌کنیم:



(برش کاغذ، هوش غیرکلامی)